

A Roadmap for Reforming the Governance Structure of Economic Policy-Making in Iran Based on the Teachings of Islamic Economics

Mohammad Javad Tavakoli

1. Associate Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, tavakoli@iki.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article	Economic policy-making in Iran faces numerous challenges such as the adoption of non-indigenous approaches, deviation from national interests, sluggish decision-making, and various problems associated with public choice. Using an analytical method, this paper provides a comprehensive explanation of these challenges and examines a roadmap for reforming the governance structure of economic policy-making in Iran based on the teachings of Islamic economics. According to the findings of the study, the difficulties in Iran's economic policy-making primarily stem from structural problems within the country's political economy and the framework of its economic decision-making system. These deficiencies manifest across several levels—normative, legal, organizational, and procedural—and ultimately take behavioral form. Addressing these structural deficiencies requires improving the system for producing economic policy reports, strengthening economic transparency, establishing performance-based indices for policy outcomes and actions, redesigning the economic policy-making system, and creating a framework for training and moral refinement in Islamic governance.
Article history: Received 2024/07/20 Accepted 2025/01/04	
Keywords: <i>Economic Policy-Making, Political Economy, Public Choice Problem, Velāyat-Based Governance.</i>	

Cite this article: Tavakoli, Mohammad Javad (2025). A Roadmap for Reforming the Governance Structure of Economic Policy-Making in Iran Based on the Teachings of Islamic Economics, *Religion and Law*, 47 (13), 123-171.



© Mohammad Javad Tavakoli

Publisher: Islamic Research

Center of Parliament of I.R.IRAN.

<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.278>



نقشه راه اصلاح ساختار حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران بر اساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی

محمدجواد توکلی

۱. دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. tavakoli@iki.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵	سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران با مشکلات متعددی همچون اتخاذ رویکردهای غیربومی، عدول از منافع ملی، کُندی تصمیم‌گیری و بسیاری از مشکلات انتخاب عمومی روبرو است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی ضمن ارائه تبیینی جامع از این مشکل به بررسی نقشه راه اصلاح ساختار حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران بر اساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی می‌پردازیم. بنا به یافته‌های پژوهش، مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران عمدتاً ریشه در مشکلات ساختار اقتصاد سیاسی و ساختار نظام تصمیم‌گیری اقتصادی دارد؛ نقایصی که در چند سطح مشکلات هنجاری، قانونی و سازمانی و رویه‌ای بروز می‌کند و در نهایت جلوه رفتاری می‌گیرد. حل این مشکلات ساختاری نیازمند بهبود نظام تولید گزارش سیاستی اقتصادی، تقویت شفافیت اقتصادی، شاخص‌بندی نتایج و اقدامات سیاستی، بازطراحی نظام سیاست‌گذاری اقتصادی و ایجاد نظام تربیت و تهذیب حکمرانی اسلامی است. واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری اقتصادی، اقتصاد سیاسی، مشکل انتخاب عمومی، حکمرانی ولایی.

استناد: توکلی، محمدجواد (۱۴۰۴). نقشه راه اصلاح ساختار حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران بر اساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی. دین و قانون، ۴۷ (۱۳)، ۱۷۱-۱۲۳.

ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران.

© نویسنده: محمدجواد توکلی



<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.278>

مقدمه

سیاست‌گذاری اقتصادی یکی از جلوه‌های حکمرانی نظام سیاسی است که از اهمیت زیادی برخوردار است. همان‌گونه که مداخلات سیاست‌گذاران اقتصادی می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند، امکان اثرگذاری معکوس آن نیز وجود دارد. سیاست‌گذاری اقتصادی زمانی موفق خواهد بود که مبتنی بر دانش و در راستای منافع عمومی صورت گیرد. دستیابی به این هدف نه تنها مستلزم معرفی و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب است؛ بلکه نیازمند ایجاد ساختار اقتصادی متناسب برای اجرای این سیاست‌ها است؛ ساختاری که شامل سازمان‌ها، قواعد و ابزارهای سیاستی مناسب می‌شود.

نظام سیاست‌گذاری اقتصادی کشور از دیرباز با مشکلاتی همچون ناهماهنگی در سیاست‌ها، و سیاست‌گذاری در فضای تعارض منافع روبرو بوده است. این مشکلات که از آن با عنوان مشکل انتخاب عمومی نیز یاد می‌شود، گاه در قالب ادوار تجاری سیاسی ظهور و بروز میکند؛ ادواری که در آن سیاست‌گذار اقتصادی خواسته یا ناخواسته تصمیم‌هایی می‌گیرد که منافع عمومی را در پی ندارد.

مشکلات موجود در نظام سیاست‌گذاری اقتصادی، گاهی به‌خاطر انتخاب سیاست اقتصادی نادرست رخ می‌دهد. سیاست‌گذار ممکن است سیاست پولی یا مالی نامناسبی را انتخاب کند. ولی گاهی مشکل ریشه‌ای‌تر و به ساختارها و نهادهای مرتبط با سیاست‌گذاری اقتصادی مرتبط می‌شود. ممکن است سیاست‌گذار اقتصادی از جهت سازمانی با مشکلاتی همچون وجود نهادهای متعدد تصمیم‌گیر مواجه شود که هریک منافع سازمانی مختلفی دارند؛ منافعی که آنها را وادار به اتخاذ سیاست‌های ناسازگار می‌کند. قوانین و قواعد حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی نیز می‌تواند مشکل‌ساز باشد. عدم معرفی ابزارهای مناسب جهت اعمال سیاست نیز می‌تواند باعث تشدید مشکلات شود.

در این نوشتار به بررسی مشکلات ساختار سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران و راهبردهای مواجهه با آن می‌پردازیم. این بررسی با استفاده از رویکرد اقتصاد بخش عمومی صورت می‌گیرد که در آن مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی به‌عنوان نوعی مشکل انتخاب عمومی در فضای اقتصاد سیاسی تجزیه و تحلیل می‌شود. در این بررسی عمدتاً تبیینی ساختاری از مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی داریم و راه‌حل‌های پیشنهادی نیز از سنخ اصلاحات

ساختاری است؛ اصلاحاتی که گاه فراتر از فضای نظام اقتصادی می‌رود و نظام سیاسی را نیز شامل می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط به ساختار حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی در اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران پرداخته نیست. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آثار در این زمینه اشاره می‌کنیم:

- پژوهان، اصلاح ساختار سیاست‌گذاری اقتصادی را از جمله لوازم دستیابی به توسعه می‌داند (پژویان، ۱۳۸۵).

- خضری، اقتصاد سیاسی رانت‌جویی در بودجه‌ریزی را مورد مطالعه قرار داده است (خضری، ۱۳۸۷).

- دین‌پرست به بررسی مشکلات اقتصاد سیاسی در مجلس شورای اسلامی پرداخته است (دین‌پرست، ۱۳۹۵).

- توکلی، به بررسی ساختار حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی پرداخته است (توکلی، ۱۴۰۰).

- سعیدی، الگویی برای حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی بر اساس اندیشه شهید صدر پیشنهاد داده است (سعیدی، ۱۴۰۰).

- اسنودان، مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی را با اشاره به نظریه‌های جدید در زمینه اقتصاد سیاسی توضیح می‌دهد (اسنودان و هوارد، ۱۳۹۲).

- ویلیامسون، از الگوی چهارسطحی برای تحلیل مشکلات اقتصادی استفاده می‌کند؛ الگویی که در آن به فرهنگ و قانون در کنار رفتار توجه شده است (Williamso, 2000).

- توکلی، با استفاده از چارچوب تحلیل چهارسطحی ویلیامسون به تحلیل مشکلات اقتصاد ایران پرداخته است (توکلی، ۱۳۹۶).

در این مقاله تلاش شده است با استفاده از تحلیل‌های نهادی و ساختاری فهم عمیقی از مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران ارائه شود؛ تحلیلی که زمینه‌ساز ارائه نقشه راه اصلاح ساختار حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران خواهد شد.

۲. مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران

سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران همواره در معرض مخاطراتی فراوانی قرار داشته است. یکی از مشکلات غالب در این زمینه مشکل انتخاب عمومی یا مشکل عدم تصمیم‌گیری مناسب تحت تأثیر فضای تعاملات سیاسی است. در ادبیات اقتصاد سیاسی، مشکل سیاست‌گذار و تعارض منافع، در قالب مسئله انتخاب عمومی مطرح می‌شود. ارو، مشکل انتخاب عمومی را عدم امکان دستیابی به ترجیح مطلوب اکثریت در انتخابات عمومی می‌داند. در این فضا با مشکل وقوع معمای کندرسه روبرو هستیم که در آن نتایج انتخاب جمعی متناقض و ناهمگون است (آلن درازن، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸). بوکانان به انگیزه‌های منفعت‌طلبانه فردی در فضای سیاسی توجه می‌کند؛ فضایی که بیشتر افراد اخلاق را ضامن اجرای سیاست‌های درست می‌دانند (بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴).

از جمله مهم‌ترین مشکلات در سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران می‌توان به مواردی همچون اتخاذ رویکردهای غیربومی در سیاست‌گذاری اقتصادی، سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط تعارض منافع، ناهماهنگی در تدوین سیاست‌های اقتصادی، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر، وجود تشتت آرا در مورد سیاست اقتصادی مطلوب، عدم ثبات سیاستی و شفافیت در سیاست، و وقفه در سیاست اشاره کرد.

۲-۱. اتخاذ رویکردهای غیربومی در سیاست‌گذاری اقتصادی

یکی از مشکلات دیرینه در سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور، عدم اتخاذ رویکرد مناسب در سیاست‌گذاری اقتصادی و گریته‌برداری از سیاست‌های اقتصادی اجرا شده در سایر کشورها بدون توجه به اقتضائات بومی کشور است. توجه به این آسیب باعث توجه به مقولاتی همچون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) شده است.

نمونه بارز این مشکل را می‌توان در برنامه عمرانی سوم توسعه در زمان پهلوی مشاهده کرد. در آن زمان، سیاست‌گذاران اقتصادی با توجه به نظریات برخی اقتصاددانان، در چرخش از راهبرد توسعه کشاورزی به سمت توسعه صنعتی، اقدام به اجرای سیاست خسارت‌بار اصلاحات ارضی کردند؛ سیاستی که باعث تخریب روستاها و کشاورزی و شکل‌گیری شهرهای بزرگ و زمینه‌ساز صنعت مونتاژ شد؛ صنعتی که با تقویت حضور نفت در اقتصاد کشور از دهه ۱۳۵۰

به صنعت مونتاژ وابسته به نفت تبدیل شد.

تبعیت از سیاست‌های نهادهای بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول نیز باعث اجرای سیاست‌های اقتصادی نامناسبی در کشور شده است (نمازی، ۱۳۹۵). پیروی از برخی سیاست‌های اجماع واشنگتنی (مانند خصوصی‌سازی بی‌ضابطه، کاهش ارزش پول ملی و یارانه‌زدایی) موجب شده سیاست‌های شوک‌درمانی در کشور اجرا شود؛ سیاست‌هایی که تجربه ناموفقی در کشورهای در حال توسعه آمریکای جنوبی مانند شیلی و آرژانتین و کشورهای آسیای شرقی مانند مالزی و اندونزی داشته است (استیگلیتز، ۱۳۸۲؛ کلاین، ۱۳۸۹).

۲-۲. سیاست‌گذاری در شرایط تعارض منافع

بروز مشکل تعارض منافع و نفع‌طلبی شخصی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی از مهم‌ترین مشکلاتی است که کارآمدی دولت‌ها و سیاست‌گذاران اقتصادی را تهدید می‌کند. تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که سیاست‌گذار منافع شخص یا گروه خاصی را هنگام تدوین یا اجرای سیاست مدنظر قرار دهد. وجود تعارض منافع باعث می‌شود قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران اقتصادی تمایل به قوانین، سیاست‌ها و اقداماتی پیدا کنند که به انتخاب مجدد آنان کمک کند. این رویکرد عمدتاً در انتهای دوره اول ریاست‌جمهوری منتخبان رخ می‌دهد؛ چراکه ایشان می‌توانند برای دوره چهارساله دوم نیز بر مسند حکومت بنشینند. آنان از ابزارهای سیاست پولی برای تأمین بودجه انبساطی استفاده می‌کنند؛ پدیده‌ای که موجب افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. تعارض منافع باعث انحراف در برنامه‌های توسعه و پیشرفت می‌شود و آفاتی همچون برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی نامناسب، عدم اجرای برنامه‌های توسعه، دست‌کاری در بودجه‌های سالانه، جانمایی نامناسب طرح‌های عمرانی و ناسازگاری در سیاست‌های اقتصادی (مانند سیاست ارزی و تجاری) می‌شود.

یکی از جلوه‌های بروز تعارض منافع در سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور، در فضای قوه مقننه در تعامل با قوه مجریه ظهور و بروز می‌کند. ساختار رقابت‌های انتخاباتی و تلاش برای تأمین منافع حوزه‌های انتخابی باعث می‌شود انگیزه‌های فردی و منطقه‌ای بر انگیزه‌های ملی غلبه کند. افق کوتاه‌مدت رأی‌دهندگان و سیاست‌مداران موجب می‌شود سیاست‌گذاری با منافع آنی و آثار منفی آتی، ترجیح داده شود. نمایندگان برای جلب منابع به حوزه انتخابیه خودشان به دولت فشار می‌آورند. این اقدام زمینه افزایش طرح‌های نیمه‌کاره فاقد کارشناسی

را فراهم کرده است (خضری، ۱۳۸۵). شواهد آماری نشان می‌دهد بیش از ۵۳ درصد فرودگاه‌های کشور غیراقتصادی بوده و ۳۱ درصد آنها خارج از ضوابط برنامه ساخته شده‌اند. از ۱۱ هزار طرح عمرانی که در سال ۱۳۷۶ در کشور در دست اجرا بوده، نیمی از آنها فاقد توجیه اقتصادی است (همو، ۱۳۸۷). وجود ۷۰ هزار پروژه ناتمام در سطح کشور (۷۵۰۰ پروژه ملی و مابقی استانی) تا حدودی نتیجه لابی‌گری‌های موجود در فضای اقتصاد سیاسی کشور است (قربانی، ۱۳۹۶).

۲-۳. ناهماهنگی در سیاست‌گذاری اقتصادی

ضعف نظام سیاست‌گذاری اقتصادی می‌تواند باعث سیاست‌گذاری نابهنگام شود؛ اقدامی که باعث می‌شود سیاست‌گذار مداخلاتی انجام دهد که نتایج موردنظر را به دنبال نداشته باشد. تأخیر در تشخیص سیاست مناسب، و کُندی در اعمال و اجرای سیاست باعث می‌شود که نه تنها سیاست اثربخش نباشد، بلکه حتی آثار معکوسی بر جای گذارد. در این صورت سیاست زمانی اجرا می‌شود که زمان آن گذشته است و فعالان اقتصادی با واکنش متقابل آن را خنثی می‌کنند. تأخیر در تصویب و اجرای قوانین اقتصادی موردنیاز جامعه یکی از مواردی است که می‌توان از سیاست‌گذاری اقتصادی نابهنگام نام برد.

در اقتصاد ایران ناهماهنگی بین نهادهای مختلف تصمیم‌گیر نیز باعث می‌شود که سیاست‌گذاری اقتصادی واحد و منسجمی انجام نشود. برای مثال، عدم هماهنگی بین مسئولان سیاست‌های تجاری و ارزی مشکل‌ساز است؛ تصمیم سیاست‌گذار تجاری به واردات خودرو در شرایطی که کشور با مشکلات ارزی روبرو است و سیاست‌گذار ارزی به دنبال حفظ ارزش پول ملی است، نمونه‌ای از ناسازگاری سیاست تجاری و ارزی است. ناکارآمدی در سیاست‌گذاری اقتصادی پیامدهای ناگواری به دنبال دارد. سیاست‌گذاری اقتصادی نامناسب نه تنها باعث تخصیص غیربهبینه منابع می‌شود، بلکه توزیع ناعادلانه منافع اقتصادی را نیز در پی دارد.

۲-۳-۱. تخصیص غیربهبینه منابع

تخصیص غیربهبینه منابع ناشی از ناکارآمدی نظام سیاست‌گذاری اقتصادی، به معنای توزیع نادرست منابع در اقتصاد است؛ امری که منجر به کاهش رفاه اجتماعی می‌شود. تخصیص غیربهبینه منابع می‌تواند به صورت عدم تخصیص منابع به فعالیت‌های مولد، تخصیص منابع

به فعالیت‌های زیان‌بار و تخریب‌کننده محیط‌زیست، تخصیص نامناسب منابع به بخش‌های مختلف اقتصاد رخ دهد.

۲-۳-۲. توزیع ناعادلانه منافع

سیاست‌گذاری اقتصادی نامناسب اثرات سوء توزیعی نیز دارد. اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نامناسب می‌تواند باعث توزیع منابع در جامعه به نفع یک گروه یا طبقه اجتماعی خاص و به ضرر سایرین باشد. این مشکل به‌خصوص زمانی رخ می‌دهد که به‌واسطه تعارض منافع در فضای اقتصاد سیاسی تصمیم‌گیری اقتصادی، منابع عمومی به سمت مناطقی خاص سوق یابد؛ مناطقی که نمایندگان آن دارای قدرت لابی‌گری بیشتری باشند. توزیع ناعادلانه فرصت‌ها و امکانات بر اثر سیاست‌های نادرست اقتصادی به‌صورت تمرکز امکانات در کلان‌شهرها باعث می‌شود مناطق محروم از امکانات و ثروت‌های عمومی بهره‌چندانی نبرند.

۲-۳-۳. نوسانات ادوار تجاری سیاسی

گاهی سیاست‌گذاری اقتصادی نامناسب اقدامی عامدانه و کوتاه‌مدت برای اثرگذاری بر انتخابات و حفظ قدرت سیاسی است. در این حالت شاهد بروز نوسانات ناشی از ادوار تجاری سیاسی هستیم که در آن دولتمردان حاکم سیاست‌هایی اعمال می‌کنند که در کوتاه‌مدت بهبود اقتصادی ایجاد کند تا آنها بتوانند از آن به نفع خود در انتخابات بهره‌مند شوند. در این ادوار، دولت‌ها در آستانه انتخابات، سیاست‌های اقتصادی همچون کاهش مالیات، پرداخت یارانه اتخاذ می‌کنند تا از محبوبیت خود نزد رأی‌دهندگان محافظت کنند. این سیاست‌ها می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی و اشتغال در کوتاه‌مدت شود؛ اما در بلندمدت، می‌تواند منجر به افزایش تورم و کاهش پایداری اقتصاد شود. برای تبیین این پدیده نظریه‌های مختلفی همچون نظریه «سیاست‌گذاری فرصت‌طلبانه» و نظریه «سیاست‌گذاری حزبی» مطرح شده که در ادامه مباحث تبیین می‌شود. شواهد تجربی زیادی برای ادوار تجاری سیاسی وجود دارد. مطالعات نشان داده است که در سال‌های منتهی به انتخابات، رشد اقتصادی و اشتغال در بسیاری از کشورها افزایش می‌یابد؛ اما در سال‌های بعد از انتخابات، رشد اقتصادی و اشتغال کاهش می‌یابد. ادوار تجاری سیاسی می‌تواند عواقب منفی برای اقتصاد داشته باشد. این ادوار می‌تواند منجر به افزایش تورم، کاهش پایداری اقتصاد و افزایش نابرابری شود.

۴-۲. عدم ثبات

یکی از ریشه‌های مشکل در سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور عدم ثبات در سیاست‌ها و تغییر و تحول مداوم آن پس از تغییر و تحول دولت‌هاست. در طول چهار دهه گذشته با تغییر دولت‌ها برخی انتخاب‌های عمومی دستخوش تغییرات ناسازگار شده است. نمونه واضح این مسئله را می‌توان در زمینه سیاست‌های اجرا شده در زمینه مسکن مشاهده کرد. در دولت‌های نهم و دهم، طرح مسکن مهر به‌عنوان طرحی اساسی به مرحله اجرا درآمد. در مقابل، رویکردی کاملاً متفاوت در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نسبت به این طرح اتخاذ شد. همین ناهماهنگی در تصمیم‌گیری باعث شد بخش مسکن به‌عنوان یکی از بخش‌های پیشران در اقتصاد کشور با مشکلات زیادی روبرو شود.

۵-۲. عدم شفافیت

عدم شفافیت در فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی نیز باعث ناکارآمدی آن می‌شود. اینکه مشخص نیست چه کسانی یک سیاست اقتصادی را تصویب می‌کنند و تصمیم‌گیری آنها بر اساس چه مستندات و شواهدی است، می‌تواند باعث اخلاص در آن شود. ضعف اطلاع‌رسانی در زمینه سیاست‌ها نیز این عدم شفافیت را تشدید می‌کند. برای نمونه، اعلام صریح و به‌موقع سند بودجه و جداول آن باعث می‌شود که بتوان قضاوت درستی در مورد چگونگی توزیع بودجه ارائه داد. هنگامی که سند بودجه پیچیده و غیرشفاف است، نه نمایندگان می‌توانند با آگاهی کامل بدان رأی بدهند و نه ناظران بیرونی توان تجزیه و تحلیل دقیق آن را دارند.

۶-۲. وقفه در سیاست

وقفه در تصویب و اعمال سیاست به‌واسطه روند طولانی تصمیم‌گیری نیز ریشه برخی ناکارآمدی‌ها در سیاست‌گذاری اقتصادی است. فرض کنید که در برهه‌ای از زمان جامعه با کمبود یک کالا روبروست و به همین خاطر قیمت آن به شدت افزایش می‌یابد؛ کندی در تصمیم‌گیری برای واردات این محصول، در صورت عدم امکان تأمین داخلی، می‌تواند باعث شود که تصویب و اجرای دیر هنگام سیاست نه تنها مفید نباشد، حتی آثار منفی نیز برجای بگذارد. برای نمونه، ممکن است سیاست‌گذار نسبت به

اجازه واردات در غیر فصل کشت تعلل کند و زمانی واردات عملیاتی شود که فصل برداشت محصول است؛ پدیده‌ای که باعث ضرر و زیان تولیدکنندگان داخلی می‌شود.

۲-۷. محدودیت‌های زمانی

سیاست‌گذاران اقتصادی در موارد زیادی با محدودیت زمانی روبرو هستند. این مشکل به‌صورت خاص در فضای قانون‌گذاری در قوه مقننه کشور به چشم می‌خورد. برای نمونه، نمایندگان مجلس باید در زمانی محدود در اواخر سال لایحه بودجه را تصویب کنند. اگر فرایند تصویب بودجه به درازا بکشد، بودجه سال بعد به‌صورت یک دوازدهم ابلاغ خواهد شد که مشکلات زیادی برای دستگاه‌های بودجه‌بگیر ایجاد می‌کند. نمایندگان برای مواجهه نشدن با این مشکل به‌صورت طبیعی به‌سرعت بررسی بودجه می‌افزایند؛ پدیده‌ای که می‌تواند از دقت کار بکاهد.

۳. لایه‌های تبیینی مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی

این سؤال جدی مطرح است که آیا مشکلات سیاست‌گذاری اقتصاد در ایران نتیجه مشکلات ساختاری است یا حاصل اشتباهات فردی سیاست‌گذاران اقتصادی؟ تبیین ساختاری تبیینی است که به‌جای تمرکز بر مشکل انتخاب عقلایی بر مشکل ساختار نهادی تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. این بدان معناست که ساختار نامطلوب باعث می‌شود حتی اگر سیاست‌گذار هم بخواهد سیاست‌گذاری درستی انجام دهد، موفق به انجام آن نشود. براین اساس، ساختار نهادی موجود سیاست‌گذاران را در وضعیتی قرار می‌دهد که تصمیم‌گیری نادرستی اتخاذ می‌کنند.

جدول ۱: تبیین‌های سه‌گانه در آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری اقتصادی

نوع تبیین	متغیر کلیدی	لازمه در آسیب‌شناسی سیاستی
تبیین ساختاری	ساختارها	ساختارهای ناکارآمد
تبیین هنجاری	هنجارهای اجتماعی	هنجارهای اجتماعی نامناسب
تبیین رفتاری	انتخاب عقلایی	مشکل عقلانیت محدود

تبیین رفتاری رایج در اقتصاد، تبیین انتخاب عقلایی است؛ اقتصاددانان این نوع تبیین را در فضای اقتصاد سیاسی هم مطرح می‌کنند. از نگاه ایشان فعالان فضای سیاسی نیز

همانند فعالان اقتصادی به دنبال بیشینه‌کردن منافع خود هستند؛ هرچند که برخی از وجود لایه‌هایی از آرمان‌گرایی در آنها نیز سخن می‌گویند. اگر از این نوع تبیین برای آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری اقتصادی استفاده کنیم، بهترین گزینه ادبیات عقلانیت محدود است. در این چارچوب می‌توان استدلال کرد که اشکالات در سیاست‌گذاری اقتصادی می‌تواند ریشه در مشکلات شناختی، انگیزشی و مهارتی فعالان حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی باشد (توکلی، ۱۴۰۰).

بر اساس نظریه ساختارگرایی قیود پیش‌روی افراد، گزینه‌های ممکن را به قدری محدود می‌کنند که در عمل جایی برای انتخاب باقی نمی‌ماند. انتخاب فرد به یک گزینه محدود می‌شود که این در عمل به معنای عدم امکان انتخاب است. شاید نتوان مدافعی برای برداشت افراطی از ساختارگرایی یافت؛ ولی برخی از ساختارگرایان فرانسه و بسیاری از نویسندگان دارای گرایش مارکسیستی رویکرد مشابهی دارند (Elster J, 1983, p.22).

هرچند این نظریه بر برخی از موارد خارجی تطبیق می‌کند، ولی به عنوان یک نظریه عمومی پذیرفتنی نیست. وقتی عنوان می‌شود که طبقه حاکم با دست‌کاری خارج، گزینه‌های پیش‌روی مردم را محدود می‌کنند. لازمه این امر آن است که آنها خودشان قدرت انتخاب دارند. همچنین یک طبقه حاکم عاقل، گزینه‌های ممکن را به حدی محدود می‌کنند که گزینه ترجیح داده شده توسط مردم همان گزینه‌ای باشد که طبقه حاکم از میان گزینه‌های محدود نشده برمی‌گزینند (Ibid).

در تبیین مبتنی نظریه هنجارهای اجتماعی انتخاب افراد به جای آنکه از عقلانیت فردی نشئت بگیرد، متأثر از هنجارهای اجتماعی است. در این دیدگاه، انتخاب عقلایی به مفهوم سازگاری هدف - وسیله، شکل خاصی از هنجارهای اجتماعی رایج در جوامع مدرن غربی است. در سایر جوامع که اهمیت کمتری به کارآمدی ابزارها می‌دهند، فعالیت‌ها با توجه به خودشان ارزش‌گذاری می‌شوند؛ نه اینکه ارزش به نتایج حاصل از آنها نسبت داده شود (Ibid, p.23). اگر هنجارهای اجتماعی به عنوان فیلتر یا محدودیت در انتخاب معرفی شوند، نظریه هنجارهای اجتماعی بدیل نظریه انتخاب عقلایی نیست. گزینه دیگر اینکه این نظریه به عنوان بدیلی برای نظریه انتخاب عقلایی در نظر گرفته شود. باید توجه کرد که هنجارهای اجتماعی از محدودیت‌های متعارف در انتخاب متمایزند. این محدودیت‌ها به این دلیل متمایزند که

قابل نقض هستند (Ibid).

در نگاهی ترکیبی می‌توان ساختارها و هنجارها را وارد نظریه انتخاب عقلایی کرد؛ بدین صورت که این دو متغیر بخشی از محدودیت‌های انتخاب باشد؛ محدودیت‌هایی که جبرگرایانه و نفی‌کننده انتخاب افراد نیست. با وجود این، ممکن است قدرت تبیینی هنجارها موردی و گذشته‌نگر تلقی شود. نظریه منسجمی درباره شرایطی ارائه نشده است که در آن هنجارها مانع از اثرگذاری نفع شخصی در جهت‌دهی به رفتار می‌شوند و در نتیجه نظریه انتخاب عقلایی را با شکست روبه‌رو می‌کنند. همان‌طور که تورسکی و کاهنمان گفته‌اند، هنجارها غالباً قدرت اثرگذاری‌شان را به دلیل اثر چارچوب‌بندی از دست می‌دهند (Ibid, p.25).

۴. نظریه‌های اقتصاد سیاسی سیاست‌گذاری اقتصادی

در ادبیات اقتصاد سیاسی ترکیبی از نظریه انتخاب عقلایی و هنجارهای اجتماعی برای توضیح رفتار فعالان سیاسی و دلایل بروز مشکل انتخاب عمومی در بخش عمومی مطرح شده است. محققان اقتصاد سیاسی با تردید در خیرخواهی سیاست‌گذاران اقتصادی، این فرضیه را مطرح می‌کنند که قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران اقتصادی نیز همانند سایر فعالان اقتصادی دنبال بیشینه‌کردن منافع خود هستند. این رویکرد زمینه تجزیه و تحلیل انگیزه‌های کنشگران اقتصادی در فضای اقتصاد سیاسی و ساختارهای مؤثر بر آن را فراهم می‌کند. در این چارچوب ادعا می‌شود که تغییر افراد در فضای کنشگری اقتصاد سیاسی نمی‌تواند مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی را حل کند؛ مگر آنکه ساختارها به‌گونه‌ای بازطراحی شود که خروجی نظام اقتصاد سیاسی منافع بلندمدت ملی باشد. ساختارها، انگیزه‌های افراد را جهت می‌دهند. در این راستا، اقتصاد به‌عنوان علم انتخاب، متکفل بررسی انگیزه کنشگران است. متقابلاً رشته اقتصاد سیاسی نیز متکفل بررسی انگیزه کنشگران سیاسی در ساختارهای سیاسی متفاوت است؛ ساختارهایی که سیاست‌گذاران را گرفتار مشکلاتی چون لابی‌گری برای حفظ منافع حزبی، منطقه‌ای، گروهی و حتی فردی می‌کند. برای حل این مشکل باید راهبردهای اساسی در فضای اقتصاد سیاسی اندیشید و برای رفع مشکل سازوکارهای عملیاتی طراحی کرد. در نظریات ارائه‌شده ترکیبی از رفتارهای عقلانی و ایدئولوژیک فعالان سیاسی مورد توجه قرار گرفته است:

۱-۴. نظریه فرصت‌طلبی غیرعقلایی

بر اساس این نظریه، سیاست‌مداران و رأی‌دهندگان ممکن است از منطق اقتصادی متعارف تبعیت نکنند و رفتارهای غیرعقلایی از خود نشان دهند؛ رفتارهایی که منجر به انحراف سیاست‌های عمومی از منافع عمومی می‌شود. به نظر نورد هاوس (۱۹۷۵)، سیاست‌مداران طی دوره تصدی خود سیاست‌های اقتصادی را به گونه‌ای برمی‌گزینند تا محبوبیت خود را در آستانه انتخابات بعدی بیشینه کنند. تأثیرپذیری رأی‌دهندگان از عملکرد اقتصاد دولت قبل از انتخابات، سبب وسوسه مسئولان برای دست‌کاری اقتصاد برای افزایش احتمال برد در انتخابات می‌شود. نورد هاوس، دو نوع فرصت‌طلبی غیرعقلایی را برمی‌شمرد:

الف) فرصت‌طلبی غیرعقلایی سیاست‌مداران: نورد هاوس معتقد است که سیاست‌مداران ممکن است به دلایل مختلفی از منطق اقتصادی متعارف تبعیت نکنند و رفتارهای غیرعقلایی از خود نشان دهند. این دلایل عبارت‌اند از:

- انگیزه‌های سیاسی: سیاست‌مداران برای انتخاب مجدد تلاش می‌کنند و برای این کار باید از حمایت رأی‌دهندگان برخوردار باشند. آنها ممکن است برای جلب حمایت رأی‌دهندگان، سیاست‌هایی اتخاذ کنند که منافع گروه‌های خاص را تأمین کند، حتی اگر این سیاست‌ها به ضرر منافع عمومی باشد.

- عدم وجود اطلاعات کامل: سایت‌مداران ممکن است اطلاعات کاملی در مورد پیامدهای سیاست‌های عمومی نداشته باشند و ممکن است نتوانند پیامدهای این سیاست‌ها را به درستی ارزیابی کنند. این امر می‌تواند منجر به اتخاذ سیاست‌هایی شود که به ضرر منافع عمومی باشد.

- وجود هزینه‌های مبادله رأی‌دهندگان: ممکن است رأی‌دهندگان به این نتیجه برسند که تلاش برای شناخت کافی از گزینه‌ها هنگام رأی دادن به صرفه نیست. این امر می‌تواند انگیزه سیاست‌مداران برای دادن اطلاعات غلط و منفعت طلبانه را جهت پیروزی در انتخابات افزایش دهد یا سیاست‌مداران را از اتخاذ سیاست‌هایی که ممکن است محبوبیت آنها را کاهش دهد، منصرف کند.

ب) فرصت‌طلبی غیرعقلایی رأی‌دهندگان: نورد هاوس معتقد است که رأی‌دهندگان نیز ممکن است به دلایل مختلفی از منطق اقتصادی متعارف تبعیت نکنند و رفتارهای غیرعقلایی

از خود نشان دهند. این دلایل عبارت‌اند از:

- محدودیت‌های شناختی: رأی‌دهندگان ممکن است توانایی پردازش اطلاعات پیچیده را نداشته باشند و ممکن است نتوانند پیامدهای سیاست‌های عمومی را به‌درستی ارزیابی کنند. این امر می‌تواند منجر به انتخاب سیاست‌هایی شود که به ضرر منافع رأی‌دهندگان باشد.
- عدم وجود انگیزه: رأی‌دهندگان ممکن است انگیزه کافی برای مشارکت در فرایند سیاسی نداشته باشند. این امر می‌تواند منجر به این شود که رأی‌دهندگان از مشارکت دیگر رأی‌دهندگان خودداری کنند، حتی اگر سیاست‌های موجود به ضرر آنها باشد.
- اثرات شبکه: رأی‌دهندگان ممکن است تحت تأثیر دیگران قرار گیرند و رفتارهای غیرعقلایی را تقلید کنند. این امر می‌تواند منجر به اتخاذ سیاست‌هایی شود که به ضرر منافع عمومی باشد.

برای کاهش فرصت‌طلبی غیرعقلایی، اقداماتی برای بهبود اطلاعات و انگیزه رأی‌دهندگان و کاهش هزینه‌های مبادله سیاسی توصیه شده است. از جمله این اقدامات می‌توان به مواردی همچون افزایش شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی، افزایش آموزش سیاسی رأی‌دهندگان، ایجاد سازوکارهای مالی برای حمایت از فعالیت‌های سیاسی و تقویت نهادهای دموکراتیک اشاره کرد. نظریه نورد هاوس، یکی از چالش‌برانگیزترین نظریه‌های اقتصاد سیاسی است. این نظریه نشان می‌دهد که مسئله انتخاب عمومی می‌تواند حتی در شرایطی که رأی‌دهندگان و سیاست‌مداران از منطق اقتصادی هنجاری تبعیت می‌کنند، وجود داشته باشد (1992; 2001 Nordhaus).

۲-۴. نظریه فرصت‌طلبی عقلایی

نظریه فرصت‌طلبی عقلایی از روگف و سیبرت، بر این فرض است که سیاست‌مداران و رأی‌دهندگان به دنبال حداکثرسازی منافع خود هستند؛ حتی اگر این منافع با منافع عمومی در تضاد باشد. سیاست‌مداران، از فرصت‌های موجود برای کسب منافع مالی، سیاسی و تبلیغاتی استفاده می‌کنند. آنها ممکن است با دریافت کمک مالی از گروه‌های ذی‌نفع، سیاست‌هایی اتخاذ کنند که به نفع این گروه‌ها باشد. آنها ممکن است با تبلیغات گسترده، خود را به‌عنوان گزینه‌ای مطلوب برای رأی‌دهندگان معرفی کنند. رأی‌دهندگان، از فرصت‌های موجود برای کسب منافع اقتصادی، اجتماعی و روانی استفاده می‌کنند. آنها ممکن است با رأی دادن به

سیاست‌مدارانی که قول می‌دهند منافع آنها را تأمین کنند، از منافع خود محافظت کنند. آنها ممکن است با شرکت در فعالیت‌های سیاسی، احساس رضایت و مشارکت اجتماعی کنند. با وجود این، آنان با مشکل کمبود اطلاعات در مورد صلاحیت سیاست‌مداران مواجه‌اند. رأی‌دهندگان، اطلاعات در مورد صلاحیت سیاست‌گذاران را از طریق مشاهده نتایج کارشان کسب می‌کنند؛ بنابراین قبل از انتخابات، متصدیان وارد یک «فرایند علامت‌دهی» می‌شوند که هدف از آن متقاعدکردن رأی‌دهندگان به شایستگی دولت مستقر است.

نظریه فرصت‌طلبی عقلایی، یک نظریه چالش‌برانگیز است که با انتقاداتی نیز روبرو بوده است. برخی منتقدان معتقدند که این نظریه، دیدگاه منفی و بدبینانه‌ای از سیاست‌مداران و رأی‌دهندگان ارائه می‌دهد. آنها معتقدند که این نظریه، ظرفیت سیاست‌مداران و رأی‌دهندگان برای عمل به منافع عمومی را نادیده می‌گیرد. روگف و سیرت، معتقدند که نظریه فرصت‌طلبی عقلایی، می‌تواند به توضیح بسیاری از پدیده‌های سیاسی، مانند فساد، سیاست‌های حمایتی و رفتار رأی‌دهندگان، کمک کند (Rogoff & Sibert, 1990, 1992, 1994).

۳-۴. نظریه رفتار حزبی قوی

هییس (۱۹۷۷) رأی‌دهندگان و سیاست‌مداران را به‌عنوان هم‌حزبی و هم‌ایدئولوژی در نظر می‌گیرد. سیاست‌مداران برنده شدن در انتخابات را ابزاری برای تحقق برنامه‌های حزب خود می‌دانند. رأی‌دهندگان ناهمگن نیز رجحان‌های اقتصادی متفاوتی دارند. نظریه رفتار حزبی قوی، بر این فرض است که احزاب سیاسی، نقش مهمی در سیاست‌گذاری عمومی ایفا می‌کنند. هییس معتقد است احزاب سیاسی می‌توانند به ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌گذاری عمومی کمک کنند. وی چهار عامل را برای توضیح رفتار حزبی قوی شناسایی می‌کند:

- نظام انتخاباتی: این نظام می‌تواند در ثبات و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌گذاری عمومی مؤثر باشد. سیستم‌های انتخاباتی اکثریتی، مانند سیستم *first past the post* می‌توانند به ایجاد احزاب سیاسی دوقطبی کمک کنند. این امر می‌تواند به سیاست‌مداران حزبی این امکان را بدهد که با اطمینان بیشتری بر روی سیاست‌های حزبی خود تمرکز کنند.

- نظام حزبی: این نظام می‌تواند به ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌گذاری عمومی کمک کند. سیستم‌های تک‌حزبی، مانند سیستم کمونیستی، می‌توانند به ایجاد احزاب

سیاسی قوی و منسجم کمک کرده و به سیاستمداران حزبی این امکان را بدهد که با اطمینان بیشتری بر روی سیاست‌های حزبی خود تمرکز کنند.

- تعصبات رأی‌دهندگان: رأی‌دهندگان ممکن است به دلیل تعصبات سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، به احزاب سیاسی خاصی رأی دهند. این امر می‌تواند به سیاستمداران حزبی این امکان را بدهد که با اطمینان بیشتری بر روی سیاست‌های حزبی خود تمرکز کنند.

- مشارکت رأی‌دهندگان: مشارکت بالای رأی‌دهندگان، می‌تواند به سیاستمداران حزبی این امکان را بدهد که پیام‌های حزبی خود را به طور مؤثر به رأی‌دهندگان منتقل کنند. هبیس معتقد است نظریه رفتار حزبی قوی، می‌تواند به توضیح بسیاری از پدیده‌های سیاسی، مانند ثبات و عدم ثبات اقتصادی و سیاسی کمک کند (Hibbs, 1977, 1987).

۴-۴. نظریه رفتار حزبی عقلایی

آلسینا (۱۹۸۷) با ابتدای این نظریه بر فرض عقلانیت رأی‌دهندگان نشان می‌دهد که چگونه حزب‌ها به دلیل تأثیر استراتژی‌های مختلف بر بازتوزیع درآمد، رویکردهای اقتصاد کلان متفاوتی را دنبال می‌کنند. بنا به فرض او، چون رأی‌دهندگان از این تفاوت‌های ایدئولوژیک بین احزاب آگاه هستند، حزب در مسند قدرت پیش از انتخابات، سیاست اقتصادی را اجرا می‌کند که در کوتاه‌مدت انتظار رأی‌دهندگان را برآورده سازد. یک نمونه از رفتار حزبی عقلایی، سیاست‌های حمایتی است. احزاب سیاسی چپ‌گرا، معمولاً سیاست‌های حمایتی بیشتری نسبت به احزاب سیاسی راست‌گرا اتخاذ می‌کنند؛ زیرا رأی‌دهندگان کم‌درآمد، معمولاً از سیاست‌های حمایتی بیشتر حمایت می‌کنند. احزاب سیاسی چپ‌گرا، برای کسب آرای رأی‌دهندگان کم‌درآمد، ممکن است سیاست‌های حمایتی بیشتری اتخاذ کنند، حتی اگر این سیاست‌ها به ضرر اقتصاد باشد (Alesina, 1987).

۴-۵. نظریه رفتار فرصت‌طلبانه و حزبی

فرای و شنایدر (۱۹۷۸) با ترکیب دیدگاه‌های پیشین وجود توأم رفتارهای فرصت‌طلبانه و حزبی را در سیاستمداران می‌پذیرند (Frey & Schneider, 1978). از نگاه ایشان، رفتار واقعی سیاستمداران پیش از انتخابات به مازاد محبوبیت آنها در آرا وابسته است. اگر محبوبیت دولت مستقر قبل از انتخابات زیر سطح بحرانی باشد، رفتار فرصت‌طلبانه به رفتار حزبی تغییر می‌یابد. اما دولت مستقر با مازاد محبوبیت،

به‌صورت ایدئولوژیک رفتار می‌کند (اسنودان و هوارد، ۱۳۹۲، ص ۵۴۴-۵۸۰).

۵. نظریه حکمرانی ولایی و الگوی تحلیلی آن

در ادبیات اقتصاد اسلامی نظریه‌پردازی چندانی در زمینه حکمرانی اقتصاد سیاسی و مشکلات آن نشده است. یکی از نظریه‌های محوری در این زمینه نظریه مکانیزم ماشه ابن خلدون است. بر اساس این نظریه، مشکلات اقتصادی تنها ریشه اقتصادی ندارد؛ بلکه عمدتاً در مشکلات نظام سیاسی ریشه دارد (Chapra, 2006). در نگاه اسلامی، ساختار حکمرانی مطلوب ساختاری به‌هم‌پیوسته است که در آن رابطه‌ای هماهنگ بین نظام‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برقرار باشد. در این نظام هماهنگ، سیاست‌گذاری به شکل عام و سیاست‌گذاری اقتصادی به شکل خاص زمانی موفق است که در قالب نظام حکمرانی ولایی رخ دهد؛ نظامی که در آن حکمرانی صالحان بر مبنای شایسته‌سالاری توحیدی اعمال می‌شود.

۱-۵. مبانی نظریه حکمرانی ولایی

در نگرش اسلامی حکمرانی در وهله اول متعلق به خداوند متعال است که از طریق انبیا در جامعه اسلامی به اجرا درمی‌آید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰)؛ «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷)؛ «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۶۸)؛ «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ» (جاثیه: ۱۹)؛ «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب: ۳۶) این نوع حکمرانی در قالب ولایت یا ربوبیت تشریعی مطرح شده است (سبحانی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱، ص ۶۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰-۲۱). در مرحله بعد حکمرانی به انبیا و امامان می‌رسد: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» (نور: ۵۴) (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۳۴). رتبه بعدی حکمرانی به فقها و صالحان تعلق دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). در زمان غیبت ولایت فقیه جامع‌الشرایط جایگزین ولایت ائمه خواهد بود. در رویکرد اسلامی، مشارکت مردم در امور سیاسی در سایه هدایت ولایت (مردم‌سالاری ولایی) اصلی پذیرفته‌شده است. مردم بر اساس «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»

(توبه: ۷۱) و ﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ﴾ باید بر کلیه نهادهای قدرت، نظارت داشته و از باب «النصيحه لائمه المسلمين» از وقوع انحراف پیشگیری کنند (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۶۱-۱۶۲).

در چارچوب نظریه حکمرانی ولایی، ضعف‌های شناختی، انگیزشی و ارادی افراد در فضای انتخاب‌های فردی و عمومی با بهره‌مندی از تربیت توحیدی و ایجاد ساختارها و قواعد مناسب قابل‌کاهش است (توکلی، ۱۴۰۰). اسلام تلاش کرده با استفاده از نوعی تربیت توحیدی و ایجاد ساختارها و قواعد مناسب از مشکلات انتخاب عقلایی بکاهد. در تربیت توحیدی تلاش می‌شود مشکلات عقلانیت بشر با تهذیب افراد جامعه کاهش یابد. این رویکرد در حوزه فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر مقولاتی همچون رزق، لقمه حلال و طیب پیگیری می‌شود. در رویکرد اسلامی حتی زکات هم در وهله اول با هدف تهذیب افراد گرفته می‌شود (توبه: ۱۰۳).

ساختارسازی و قاعده‌گذاری نهادی اسلام نیز در راستای تقویت قدرت عقلانیت آحاد جامعه است. نهاد امر به معروف و نهی از منکر یکی از نهادهای اجتماعی اسلام است که در مسیر تقویت عقلانیت جامعه ایجاد شده و به مثابه تلنگری به افراد برای تصحیح خطاهای خود عمل می‌کند. اسلام با قاعده‌گذاری خاص خود، تقوا را به عنوان یکی از شرایط والیان و در رأس آن ولی فقیه برمی‌شمرد. این ضابطه به عنوان قاعده‌ای کنترل‌کننده برای مشکلات انگیزشی حکمرانان عمل می‌کند. فرد با تقوا و خدا ترس، فردی خیرخواه است که مصالح اجتماعی جامعه اسلامی را فدای مصالح فردی و حزبی نمی‌کند. نیروی قوی تقوای اقتصادی که متکی بر مبانی توحیدی است، حاکمان را از افتادن در ورطه نفع طلبی و تضییع مصالح جامعه باز می‌دارد. این رویکرد باعث تقویت قدرت انتخاب عقلایی و رفتن به سمت نوعی عقلانیت رو به تکامل است.

در ساختار حکمرانی ولای، سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی با برخورداری از ترکیبی از انگیزه‌های نفع طلبانه و خیرخواهانه در یک ساختار نهادی دست به تصمیم می‌زنند. این انتخاب عمومی تنها تحت تأثیر انگیزه‌های نفع طلبانه نیست؛ بلکه تحت تأثیر قواعد رسمی (قوانین متأثر از ساختار حقوقی) و قواعد غیررسمی (هنجارهای متأثر از نظام فرهنگی) قرار دارد. ساختار افشای اطلاعات نیز نقشی اساسی در انتخاب عمومی دارد؛ به گونه‌ای که

افزایش شفافیت و به دنبال آن مداخله قضائی برای مقابله با انتخاب‌های نادرست، نقشی محوری در کاهش آسیب‌های سیاست‌گذاری اقتصادی دارد. از منظر اقتصاد اسلامی، نظام تعلیم و تربیت اقتصادی و تهذیب اقتصادی سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی نیز کارکردی محوری در تصحیح انتخاب عمومی دارد.

اسلام با قاعده‌گذاری خاص خود، تقوا را یکی از شرایط والیان و در رأس آن ولی فقیه برمی‌شمرد. این ضابطه به عنوان قاعده‌ای کنترل‌کننده برای مشکلات انگیزشی حکمرانان عمل می‌کند. فرد باتقوا و خدا ترس، فردی خیرخواه است که مصالح اجتماعی جامعه اسلامی را فدای مصالح فردی و حزبی نمی‌کند. نیروی قوی تقوای اقتصادی که متکی بر مبانی توحیدی است، حاکمان را از افتادن در ورطه نفع طلبی و تضییع مصالح جامعه بازمی‌دارد. این رویکرد باعث تقویت قدرت انتخاب عقلایی و رفتن به سمت نوعی عقلانیت رو به تکامل است. ساختارسازی و قاعده‌گذاری نهادی اسلام نیز در راستای تقویت قدرت عقلانیت آحاد جامعه است. نهاد امر به معروف و نهی از منکر یکی از نهادهای اجتماعی اسلام است که در مسیر تقویت عقلانیت جامعه ایجاد شده و به مثابه تلنگری به افراد برای تصحیح خطاهای خود عمل می‌کند.

۲-۵. الگوی چهارسطحی تحلیل مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در نظریه حکمرانی ولایی

در نظریه حکمرانی ولایی تحلیل مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی با توجه به ترکیبی از عوامل هنجاری، قانونی، رویه‌ای و رفتاری صورت می‌گیرد. بر اساس این الگو، مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی تنها حاصل اشتباهات فردی سیاست‌گذاران اقتصادی نیست؛ بلکه مشکل در مشکلات ساختاری سخت و نرم هنجارها و رویه‌ها دارد. مشکلات ساختاری سخت ناظر به مشکلات هنجاری، قانونی و رویه‌ای است و این اساس، ساختار نامطلوب باعث می‌شود که حتی اگر سیاست‌گذار هم بخواهد سیاست‌گذاری درستی انجام دهد، وی موفق به انجام آن نخواهد شد. بر این اساس، ساختار نهادی موجود سیاست‌گذاران را در وضعیتی قرار می‌دهد که تصمیم سیاستی نادرستی اتخاذ می‌کنند.

رفتار

جدول ۲: الگوی چهار سطحی تحلیل مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی

نوع آسیب	لایه‌های مشکل
مشکلات ساختاری	آسیب‌های هنجاری
	آسیب‌های قانونی
	آسیب‌های رویه‌ای
مشکلات رفتاری	سیاست‌گذاری اقتصادی نادرست و نابهنگام ناشی از مشکلات شناختی (برداشت نادرست از مشکلات اقتصادی)، انگیزشی (عدول از منافع ملی)، و مهارتی (ناتوانی در تصمیم‌گیری)

الگوی چهارسطحی تبیین مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران تحلیلی نهادی از دلایل بروز این مشکل با در نظر گرفتن هنجارها، قوانین و رویه‌های اجرایی دارد؛ سه لایه نهادی که بر رفتار نادرست سیاست‌گذاری اقتصادی در لایه چهارم اثرگذار است.

شکل ۳: الگوی چهارسطحی تحلیل مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در نظریه حکمرانی ولایی

مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی را می‌توان در دو قالب سیاستی و ساختاری تبیین کرد. بر اساس تبیین اول، مشکلات سیاست‌گذاری به سیاست انتخابی و شیوه اجرای آن وابسته است. برای نمونه، ممکن است گفته شود که سیاست ارزی مناسبی اتخاذ نمی‌شود، و به جای حفظ ارزش پول ملی، سیاست کاهش ارزش آن دنبال می‌شود یا به جای برنامه‌ریزی برای کاهش نرخ سود بانکی، افزایش نرخ سود سپرده‌ها برای کنترل نقدینگی اعمال می‌شود. مشکل اتخاذ سیاست نادرست، هرچند مشکلی رفتاری است، ولی از برخی مشکلات ساختاری تأثیر می‌پذیرد. در چارچوب این تحلیل، ساختار اقتصاد سیاسی می‌تواند باعث شود سیاست‌گذاران به واسطه مشکلاتی همچون تعارض منافع انتخاب‌های نامناسبی داشته باشند. لابی‌گری بین نمایندگان مجلس و وزرا برای کشیدن منابع به حوزه‌های انتخابی برخلاف منافع ملی نمونه‌ای از این مشکل است.

هم مشکلات رفتاری در سیاست‌گذاری اقتصادی و هم مشکلات ساختاری خود ریشه در مشکلات موجود در نظام علمی، اجرای و اقتصادی کشور دارد. در نظام علمی تولید نسخه‌های بومی قابل استفاده در سیاست‌گذاری اقتصادی با مشکل مواجه است. نظام اجرایی نیز با مشکلاتی همچون ناتوانی در تصمیم‌گیری، تعارض منافع، بروکراسی کند اداری و قوانین نامناسب اقتصادی روبرو است.

جدول ۳: مشکلات زیربنایی در نظام‌های عمده حاکم بر نظام سیاست‌گذاری اقتصادی

نظام	لایه‌های مشکل
نظام علمی	تولید نسخه‌های غیربومی
نظام اجرایی	ناتوانی در تصمیم‌گیری، تعارض منافع، بروکراسی کند اداری، وضع قوانین نامناسب اقتصادی
نظام اقتصادی	ضعف زیرساخت‌ها از جمله حمل و نقل عمومی و ترانزیت، سهم بالای بخش خدمات و بازرگانی، وابستگی بودجه به درآمد نفت، ضعف نظام مالیاتی - حمایتی، عدم شفافیت اقتصادی

۶. آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران

الگوی چهارسطحی تحلیل مشکلات اقتصادی سیاست‌گذاری اقتصادی را می‌توان بر اقتصاد ایران نیز تطبیق کرد و براین اساس به تجزیه و تحلیل آسیب‌های سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران پرداخت.

۶-۱. مشکلات هنجاری

برخی از مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران به فرهنگ و هنجارهای حاکم بر اقتصاد سیاسی ایران مرتبط است. بخشی از مشکلات فرهنگی مزبور مربوط به فضای انتخاب سیاست‌گذاران در فضای انتخابات دموکراتیک است. یکی از هنجارهای غالب بر فضای انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌خصوص در شهرهای کوچک فرهنگ وعده‌های انتخاباتی غیرمرتبط با شأن نمایندگی مجلس است؛ وعده‌هایی که باعث می‌شود نمایندگان به‌جای تمرکز بر قانون‌گذاری، بخشی از وقتشان را صرف لابی‌گری برای جذب بودجه بیشتر به منطقه انتخاباتی خودشان کنند. این فرهنگ در میان مردم نیز رواج یافته و میزان موفقیت نمایندگان بر اساس توانایی آنها در جذب بودجه به حوزه انتخاباتی سنجیده می‌شود؛ فرهنگی که زمینه‌ساز انحراف در طرح‌های عمرانی و بروز مشکلاتی از جمله اجرای طرح‌های صنعتی آب‌بر در مناطق کم‌آب کشور شده است.

۶-۲. مشکلات قانونی

فقدان قوانین نظم‌بخش به ساختار حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران باعث شده که مواردی دچار بی‌نظمی‌های مخربی شود. برای نمونه در فضای قوانین انتخاباتی به‌خصوص در مورد نمایندگان مجلس قواعد حاکم بر ثبت نام نامزدها به‌گونه‌ای است که خروجی انتخابات الزاماً مجلسی متشکل از متخصصان صاحب‌نظر در حوزه‌های مختلف قانون‌گذاری نباشد. به همین خاطر مشاهده می‌کنیم که کمیسیون‌های اقتصادی مجلس گاهی با تعداد انگشت‌شماری اقتصاددان تشکیل می‌شود؛ امری که فرایند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و بودجه‌ریزی را با اختلال مواجه می‌کند. حتی قوانین داخلی مجلس نیز با مشکلاتی روبرو است. قوانین و آیین‌نامه‌های ناظر بر چگونگی انتخاب نمایندگان کمیسیون تلفیق برنامه‌بودجه باعث می‌شود که گاهی تصمیم‌گیری تخصصی در مسائل فنی مانند برنامه‌بودجه صورت نگیرد. عدم وجود قوانین و قواعد ناظر به اولویت‌بندی طرح و تصویب

قوانین در مجلس و فقدان شاخص‌های مشخص برای هزینه فایده طرح‌های اقتصادی نیز فرایند تصویب قوانین را با مشکلات جدی مواجه می‌کند.

۳-۶. مشکلات سازمانی و رویه‌ای

سازماندهی و رویه‌های نامناسب نیز می‌تواند سیاست‌گذاری اقتصادی را با مشکل مواجه کند. ساختار ناکارآمد انتخابات از جمله مشکلات سازمانی و رویه‌ای است که باعث عدم شفافیت و خطا در انتخاب سیاست‌گذاران می‌شود. رای‌دهندگان به واسطه در اختیار نداشتن اطلاعات از سوابق نامزدها و همچنین عدم توانایی ارزیابی تحلیلی‌ها و ادعاهای آنها با هزینه مبادله بالا برای جستجوی اصلح در انتخابات مواجه می‌شوند و انتخاب خوبی نمی‌کنند. نمایندگان نیز در فضایی که اطلاعات کافی در مورد طرح‌ها و پیشنهادهای سیاستی دریافت نمی‌کنند و رأی آنها نیز علنی نمی‌شود، ممکن است خود را درگیر جستجوی پرهزینه برای کسب اطلاعات نکنند.

بخشی از این مشکلات سازمانی و رویه‌ای ریشه در تعدد سازمان‌های تصمیم‌گیری و مشخص نبودن شرح وظایف هریک و تداخل مسئولیت‌ها است. برای نمونه، در ساختار سازمانی سیاست‌گذاری کشور، تعداد زیادی شورای عالی مسئول تصمیم‌گیری هستند. فهرست شوراهای عالی کشور با تصریح واژه عالی در عنوان به بیش از ۱۰۰ شورا می‌رسد. در میان این شوراها حدود ۴۰ شورای عالی اقتصادی به چشم می‌خورد. شوراهای عالی اقتصادی به تدریج بر اساس قوانینی همچون قوانین توسعه اقتصادی و قوانین ناظر به تشکیل وزارت‌خانه‌ها تاسیس شده‌اند.

مک لئود از گروه مشاوران هاروداد که در دهه ۱۳۴۰ برای کمک به برنامه‌ریزی اقتصادی به ایران سفر کردند، اختلالات نظام سیاست‌گذاری اقتصادی و تعدد نهادهای تصمیم‌گیر را در کتاب برنامه‌ریزی در ایران موردتوجه قرار می‌دهد. از نظر او نظام اداری ابزار اجرای سیاست اقتصادی است و هرگونه نقص و ضعف آن تحقق سیاست‌ها را مختل می‌کند. وی وضعیت انضباط مالی در سال ۱۳۴۰ با دوران مشروطه و حضور مورگان شوستر برای اصلاح سازمان اداری وزارت مالیه در زمان مشروطه را - با سال ۱۲۹۸- مقایسه می‌کند. لئود از اینکه هیچ تغییری در امور محتوایی اتفاق نیفتاده و تنها نام وزارت مالیه به وزارت دارایی تغییر یافته است، تعجب می‌کند.

لئود تعدد شوراهای اقتصادی و تداخل وظایف آنها را یکی از دلایل ناکارآمدی در سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران می‌داند؛ برای نمونه او وظایف شورای عالی اقتصاد را با شورای پول و اعتبار مقایسه و تداخل وظایف آنها با سایر وزارتخانه‌ها را به‌عنوان یکی از موانع جدی اتخاذ تصمیم و اجرای سیاست‌های توسعه و در نهایت پاسخ‌گویی بیان می‌کند؛ او در این زمینه می‌نویسد:

در ایران کمیسیون‌ها، شوراها، شوراهای عالی و سازمان‌های دولتی زیادی وجود دارند که رسماً مسئولیت اتخاذ اجرای سیاست‌های اقتصادی را بر عهده دارند، بنابراین در هر زمان چند سازمان وجود دارند که قانوناً مجاز به سیاست‌گذاری کلان در امور واحد هستند. در چنین محیطی برای سدکردن راه اجرای سیاست‌ها به‌راحتی می‌توان یک سازمان دولتی را علیه سازمان دیگر برانگیخت، یا با اجرای تصمیمات یک سازمان از طریق ارجاع موضوع به سازمان یا شورای دیگری که اختیارات مشابه دارد؛ از به فرجام رسیدن اقدامات جلوگیری کرد، در نتیجه این وضعیت نمی‌توان هیچ سازمان یا شورایی را مسئول موفقیت یا شکست سیاست‌ها و برنامه‌های دولت دانست؛ این سیاست‌ها در معرض برداشت‌های متفاوت و شک‌و‌تردید درباره قلمرو اختیارات قانونی سازمان‌ها قرار دارد. همه اینها سبب شده است که نظام اداری ایران نتواند سیاست‌چندانی اتخاذ کند و تقریباً هیچ یک از سیاست‌های اتخاذشده به‌صورت سازگار با هدف قابلیت اجرا ندارد.

مشکلات سازمانی و رویه‌ای در سطح بین‌الملل متأثر از وجود برخی نهادهای اجماع و اشنگتنی پدیدآمده بعد از جنگ جهانی دوم است. این نهادها برخی از سیاست‌های اقتصادی را به کشورهای عضو تحمیل می‌کنند؛ کشورهای در حال توسعه به واسطه نیازهای مالی گاه مجبور می‌شوند که از این سیاست‌ها تبعیت کنند. نمونه واضح این مشکل در بحران شرق آسیا ۱۳۹۷ رخ داد که این نهادها کشورها را مجبور کردند که برای دریافت تسهیلات نرخ بهره را بالا ببرند و خروج سرمایه را تسهیل کنند؛ اقداماتی که موجب تشدید خروج سرمایه از این کشورها و تشدید بحران شد (رک استیگلتز، ۱۳۸۲؛ کلاین، ۱۳۸۹). در این میان، ظهور دلار به‌عنوان ارز جهان‌روا نیز یکی از نهادهایی است که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در جهان را متأثر ساخته است.

۴-۶. مشکلات رفتاری

مشکلات رفتاری سیاست‌گذاران اقتصادی ناشی از گستره‌ای از مشکلات شناختی، انگیزشی و مهارتی می‌تواند باشد؛ آنچه در قالب ادبیات عقلانیت محدود مورد بررسی قرار گرفته است (توکلی، ۱۴۰۰). برای نمونه، نمایندگان مجلس ممکن است اطلاعات کافی در مورد طرح‌ها و لوایح پیشنهادی نداشته باشند (مشکل شناختی)؛ حمایت از یک سیاست با منافع حوزه انتخابیه آنها ناسازگار باشد (مشکل انگیزشی) و توانایی تجزیه و تحلیل و ارائه نظر در مورد یک سیاست اقتصادی پیشنهادی نداشته باشند (مشکل مهارتی).

نتایج بررسی نطق‌های پیش از دستور نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره ۱۲ ساله برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳) نشان می‌دهد ۷۳ درصد فعالیت نمایندگان مجلس مرتبط با مباحث توزیع منابع به صورت منطقه‌ای و ملی (در جهت تأمین کوتاه‌مدت رضایت رأی‌دهندگان) و ۹ درصد مربوط به افزایش درآمد ملی و سرمایه‌گذاری (افق بلندمدت) بوده است (دین‌پرستی صالح، ۱۳۹۵ الف). نمایندگان، به دلیل ترس از واکنش منفی مردم در انتخابات بعدی، از تصویب یا ارائه طرح‌هایی علی‌رغم ضرورت جدی برای آینده کشور (مانند مدیریت مصرف آب یا حامل‌های انرژی با اصلاح قیمت) طفره می‌روند.

جدول ۴: مطالبات نمایندگان مجلس در نطق‌های پیش از دستور طی برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳)

مقوله‌ها	درصد	توضیح
عملکرد جامعه	۳٪	مقوله‌هایی که مستقیماً در حوزه مسئولیت‌های دولت قرار نداشتند
عملکرد تنظیمی	۱۳٪	اعمال کنترل سیاسی بر رفتار و گروه‌های جامعه و سیاست خارجی
عملکرد نمادین	۱٪	مواردی چون ارائه الگوهای الهام‌بخش، سخنرانی‌های سیاسی، تعطیلات، مراسم، یادبودها و...

عملکرد استخراجی	۱٪	تلاش نمایندگان برای افزایش منابع برای توزیع یا سرمایه‌گذاری (افق بلندمدت)
عملکرد توزیعی منطقه‌ای	۵۳٪	تلاش برای توزیع منابع در سطح منطقه‌ای (حوزه انتخابیه) جهت رضایت زودهنگام و منطقه‌ای رأی‌دهندگان
عملکرد توزیعی ملی	۲۰٪	تلاش برای توزیع منابع در سطح ملی جهت رضایت زودهنگام رأی‌دهندگان
	۸٪	تلاش برای سرمایه‌گذاری منابع برای سودآوری در افق بلندمدت
جمع		۱۰۰٪

منبع: دین‌پرست، ۱۳۹۵

تلاش نماینده برای جذب حداکثر منابع ملی جهت افزایش رفاه منطقه در حالی است که اختیارات قانونی نماینده در امور اجرایی زیاد نیست. ازاین‌رو نماینده برای حفظ منافع حوزه انتخابیه خود ممکن است مجبور به استفاده از اهرم‌های فشار بر دولت و وزرا (همانند سؤال و استيضاح) شده و دست به معامله با آنان بزند. در ساختار سیاسی موجود نماینده برای اجرای یک طرح در حوزه انتخابیه‌اش درگیر لابی‌گری و معامله با وزارتخانه‌ها می‌شود (باهنر، ۱۳۹۶). دولت نیز در مواردی برای رسیدن به نتایج مطلوب خود در مجلس، طرح‌های عمرانی را به گروگان گرفته و نماینده را وادار به متابعت از خود می‌کند.

۷. راهبردهای اصلاح حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران

اصلاحات ساختاری در سیاست‌گذاری اقتصادی به مفهوم تغییر در ساختارهای حاکم بر تدوین، تصویب، اجرا و نظارت بر سیاست‌های اقتصادی به‌گونه‌ای است که سیاست‌گذاری اقتصادی را در خدمت منافع عمومی قرار دهد و از آسیب‌های آن بکاهد. این تحول ساختاری مستلزم تغییر در شیوه سازماندهی سیاست‌گذاری اقتصادی و قواعد رسمی و غیررسمی حاکم بر آن، اصلاح سازمان‌ها و رویه‌های اجرایی و همچنین اصلاحات رفتاری است.

جدول ۵: راهبردهای اصلاح حکمرانی سیاست گذاری اقتصادی در ایران

نوع آسیب	لایه های مشکل	راهبرد اصلاحی
آسیب های هنجاری	هنجارهای اجتماعی فرصت طلبی	تقویت شفافیت اقتصادی
آسیب های قانونی	قوانین و مقررات ناکافی	شاخص بندی نتایج و اقدامات سیاستی، رصد شاخص ها، مرحله بندی فرایند تصمیم، قوانین تعارض منافع
آسیب های سازمانی و رویه ای	سازماندهی ناکارآمد	بازطراحی نظام سیاست گذاری اقتصادی (مجلس تخصصی، کمیسیون های اقتصادی سایه، تقویت احزاب...)
آسیب رفتاری	مشکلات شناختی، انگیزشی و مهارتی	ایجاد نظام تربیت و تهذیب حکمرانان

۱-۷. بهبود نظام تولید گزارش سیاستی اقتصادی

یکی از راهبردهای بهبود نظام سیاست گذاری اقتصادی تولید گزارش های سیاستی مطلوب است. هم اکنون از نظام آموزش عالی کشور و نهادهای پژوهشی به صورت کامل برای تدوین گزارش های سیاستی استفاده نمی شود. در مجلس عمده بار تدوین گزارش های سیاستی بر مرکز پژوهش های مجلس است؛ هرچند این مرکز از سایر مراکز پژوهشی استفاده می کند؛ ولی شبکه گزارش گیری سیاستی گسترده نیست. در سال های اخیر، برخی اندیشکده ها وارد فضای تولید گزارش های سیاستی شدند؛ ولی هنوز این شبکه کامل و جامع نیست. در موارد زیادی دسترسی محققان این اندیشکده ها و مراکز پژوهشی به آمار و اطلاعات کامل نیست. گذشته از اینکه در بسیاری از این مراکز پژوهشی و اندیشکده ای، رویکردهای بومی و اسلامی غالب نیست و در مواردی نسخه های عاریتی برای حل مشکلات اقتصادی کشور پیچیده می شود.

۲-۷. تقویت شفافیت اقتصادی

تقویت شفافیت اقتصادی در فضای سیاست‌گذاری اقتصادی مانع از بسیاری از سوء تصمیم‌ها و ترک فعل‌ها می‌شود. در این راستا باید مشخص باشد که چه کسی چه تصمیمی را گرفت و بر مبنای کدام ارزیابی کارشناسی آن را انجام داد. شفاف‌شدن رأی نمایندگان، اعلام ثبت و اعلام ثروت مسئولان پیش و بعد از مسئولیت، بخشی از اقدامات قابل انجام در این زمینه است. یکی دیگر از اقداماتی که در این زمینه می‌توان انجام داد الزام به انتشار پیوست توجیهی سیاست‌های اقتصادی پیش از اعمال آنها است. بدون شک، تدوین چنین پیوستی نیازمند شفافیت در داده‌ها و اطلاعات اقتصادی است. شفافیت در زمینه میزان بهره‌مندی سیاست‌گذاران از تصویب و اجرای یک سیاست نیز می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری اقتصادی کمک کند. اگر بهره‌مندی افراد به‌خصوص سیاست‌گذاران از منافع سیاست‌های اقتصادی مشخص و شفاف باشد، زمینه سوءاستفاده از موقعیت در این زمینه کاهش می‌یابد.

۳-۷. شاخص‌بندی نتایج و اقدامات سیاستی اقتصادی، مقررات‌گذاری و رصد نظارتی آن

شاخص‌بندی نتایج و اقدامات سیاستی می‌تواند به بهبود روند سیاست‌گذاری اقتصادی کمک کند. این امر رصد اقدامات و نتایج سیاستی را امکان‌پذیر می‌کند. رصد ارتباطات مالی سیاست‌گذاران با ذی‌نفعان بخشی ضروری از رصد نظارتی را شکل می‌دهد. مکمل رصد نظارتی، برخورد قانونی با متخلفان بدون مسامحه و مجازات متخلفان است. چنین اقدامی نیازمند اصلاح قوانین شامل حذف و ترمیم قوانین موجود و هم‌ارائه قوانین جدید است. برای نمونه، در برخی از کشورها قوانینی وضع شده که از میزان مداخله نمایندگان در لوایح بودجه می‌کاهد؛ ازجمله می‌توان به قانون عدم امکان افزایش بودجه جاری توسط نمایندگان در برخی کشورها اشاره کرد؛ قانونی که می‌تواند مانع از برخی مداخلات با هدف تأمین منافع منطقه‌ای شود. ارائه شاخص‌های دقیق در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی نیز ضرورتی اساسی است. هم‌اکنون شاخص‌های دقیقی برای تعیین و

توزیع بودجه استانی در دسترس نیست و تلاش در این زمینه در سال‌های اخیر نیز با موفقیت چندانی همراه نبوده است.

اگر دایره قوانین مورد اشاره را به حوزه انتخاب سیاست‌گذاران هم تعمیم بدهیم، تعیین شرایطی برای انتخاب سیاست‌گذاران عالی اقتصادی نیز ضرورت دارد. در این زمینه باید اصلاحاتی در قوانین ناظر بر تعیین اعضای کمیسیون‌های اقتصادی مجلس و دایره اختیارات آنها داشت.

۴-۷. بازطراحی نظام سیاست‌گذاری اقتصادی

پراکندگی و ناهماهنگی مراجع تصمیم‌گیری اقتصادی در ایران باعث بروز مشکلاتی در اجرای سیاست‌های اقتصادی و تحقق اهداف اقتصادی کشور می‌شود. در ایران مراجع تصمیم‌گیری اقتصادی شامل نهادهای دولتی، نهادهای شبه‌دولتی و نهادهای خصوصی هستند. این نهادها دارای وظایف و اختیارات مختلفی هستند و گاهی تصمیمات آنها با یکدیگر در تضاد است. برای مثال، وزارت امور اقتصادی و دارایی مسئول تنظیم سیاست‌های مالی کشور است. این وزارتخانه می‌تواند از طریق ابزارهای مالی؛ مانند نرخ بهره، مالیات و بودجه، بر اقتصاد تأثیر بگذارد. با این حال، تصمیمات وزارت امور اقتصادی و دارایی گاهی با تصمیمات سایر نهادهای تصمیم‌گیری اقتصادی مانند بانک مرکزی یا وزارت صنعت، معدن و تجارت در تضاد است.

علاوه بر این، نهادهای تصمیم‌گیری اقتصادی در ایران معمولاً از یکدیگر مستقل هستند و هیچ نهاد مرکزی برای هماهنگی و نظارت بر آنها وجود ندارد. این امر می‌تواند منجر به عدم هماهنگی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شود. برای مثال، در سال‌های اخیر، دولت ایران سیاست‌هایی برای حمایت از تولید داخلی و کاهش واردات اتخاذ کرده است. با این حال، این سیاست‌ها با سیاست‌های بانک مرکزی برای کنترل تورم و افزایش رقابت در بازارهای داخلی در تضاد است.

برای حل این مشکل بازطراحی نظام اقتصادی کشور به نظر ضروری می‌رسد. این بازطراحی باید به نحوی باشد که یک مدیریت واحد بتواند راهبرد کلان اقتصادی کشور را تعیین و تمام دستگاه‌های مرتبط را ملزم به اجرای

آن کند. به عنوان مثال تعریف یک معاونت اقتصادی ذیل ریاست جمهوری می تواند راهگشا باشد، مشروط بر آنکه کلیه وزارت خانه ها و سازمان های دولتی که جنبه ای از عملکرد اقتصادی در آنها تعریف شده است، با تأیید ضمنی این معاونت انتخاب و از لحاظ مطابقت عملکرد با راهبرد کلان اقتصادی به آن پاسخگو باشند. نهادهایی همچون وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنعت و معدن، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نفت، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی باید تحت نظر معاونت اقتصادی ریاست جمهوری عمل کنند.

۱-۴-۷. مجلس تخصصی نخبگانی

یکی از راهبردهای حل مشکلات سیاست گذاری اقتصادی در کشور، رفتن به سمت مجلس تخصصی نخبگانی متشکل از کمیسیون هایی تخصصی با اعضای دارای بالاترین تخصص در زمینه مربوطه در عین تعهد است. در چنین مجلسی، هر طرح یا لایحه صرفاً در کمیسیون (های) مرتبط بررسی و در نهایت تصویب یا رد می شود. نمایندگان هر کمیسیون از طرف رأی دهندگانی با حداقل تخصص مربوطه انتخاب می شوند. برای نمونه، اعضای کمیسیون اقتصادی این مجلس با رأی دانش آموختگان علوم اقتصادی (افراد دارای مدرک کارشناسی اقتصاد و بالاتر) مشخص خواهد شد.

چنین مجلس تخصصی می تواند با تقویت نگاه تخصصی، ملی و بلندمدت به مسائل کلان کشور، تا حدود زیادی مشکلات شناختی و انگیزشی اقتصاد سیاسی دموکراتیک را کاهش دهد. البته نمایندگان مجلس تخصصی نیز کمابیش منافع شخصی و گروهی خود را دنبال می کنند و پس از ورود به مجلس دنبال حفظ قدرت در دوره های متوالی هستند. برای کاستن از این مشکل می توان فرایند نظارت بر نمایندگان را با استفاده از ابزارهایی همچون شفاف کردن رأی نمایندگان برای متخصصان رأی دهنده ایجاد کرد. برای جلوگیری از نگاه نمایندگان هر کمیسیون به منافع صنفی نیز می توان ساختار نظارتی کمیسیون های مختلف بر یکدیگر را ایجاد کرد. براین اساس می توان هیئت رئیسه را متشکل از رؤسای تمام

کمیسیون‌ها در نظر گرفت؛ به شکلی که مصوبات کمیسیون‌ها را مجدداً بررسی و عدم مغایرت آن با منافع ملی را تأیید کند.

مجلس تخصصی می‌تواند به‌عنوان جایگزین مجلس فعلی یا در کنار آن ایجاد شود. تفکیک مجلس سنا و عوام مشابه تفکیک مجلس تخصصی و عمومی است. بر اساس استدلال بوکانان و تالوک (۱۳۹۴)، نظام دومجلسی رویکردی مؤثر برای کاهش مشکلات اقتصاد سیاسی است. از نظر ایشان، برای دستیابی به نتایج مجلس دوپارلمانی در قانون‌گذاری یک‌مجلسی، می‌توان قاعده سه‌چهارمی اکثریت، تحت شرایط خاص را الزامی کرد (بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴، ص ۲۵۵-۲۵۶).

برای بهبود عملکرد مجلس تخصصی، می‌توان از سازوکارهایی همچون افزایش شفافیت آرا، افزایش دوره نمایندگی و رأی‌گیری تناسبی استفاده کرد: تقویت شفافیت آرای کمیسیون‌های تخصصی برای رأی‌دهندگان متخصص به بهبود کارکرد مجلس تخصصی می‌انجامد. در این صورت جامعه علمی توان قضاوتی کارشناسانه در مورد عملکرد نماینده منتخب خود را دارد. افزایش دوره نمایندگی به شش سال و شناور کردن برخی کرسی‌های نمایندگی راهکار دیگری برای کاهش بیشتر هزینه کسب اطلاعات است. براین اساس، نمایندگان پس از انتخاب به سه گروه حتی‌الامکان مساوی تقسیم می‌شوند. کرسی‌های گروه اول تا سوم به ترتیب در پایان سال‌های دوم، چهارم و ششم خالی شده؛ به‌طوری‌که بتوان هر دو سال یک‌سوم نمایندگان را انتخاب کرد. در این صورت جامعه علمی در هر انتخابات نیاز به بررسی عملکرد یک‌سوم نمایندگان را دارد. براین اساس هزینه اطلاع از عملکرد نمایندگان نیز به یک‌سوم کاهش می‌یابد. این شیوه موجب کاهش تنش و تغییر ناگهانی در ترکیب نمایندگان می‌شود.

در شکل دومجلسی، اگر مصوبات مجلس عمومی مشروط به تصویب در مجلس تخصصی شود، این اقدام باعث کاستن از اشتباهات غیرتخصصی مجلس عمومی می‌شود. دادن رأی اعتماد به وزرا، استیضاح یا سؤال از آنها را نیز می‌توان به کمیسیون‌های مجلس تخصصی واگذار کرد. جهت امکان ورود طیف‌های مختلف علمی به این مجلس، روش رأی‌گیری تناسبی در انتخابات این مجلس

قابل استفاده است. ارزش رأی افراد در انتخابات این مجلس می‌تواند متناسب با سطح علمی ایشان تعریف شود.

مجلس متخصصان حاصل فرایند انتخابات در جامعه علمی است. طراحی این مجلس به نحوی است تا بتواند با نگاه تخصصی، ملی و بلندمدت به مسائل کلان کشور، تا حدود زیادی مشکلات شناختی و انگیزشی موجود را کاهش دهد. مجلس متخصصان می‌تواند به عنوان یک نهاد مشورتی غیررسمی شروع به کار کند، و پس از فعالیت آزمایشی به عنوان یک نهاد رسمی قانون‌گذاری، در کنار مجلس فعلی و به عنوان بازوی کمکی برای قوه مقننه تعریف شود؛ به نحوی که اگر مجلس فعلی کارکردی شبیه مجلس عوام یا کنگره دیگر کشورها را خواهد داشت، مجلس متخصصان، نقش مجلس سنا را بازی خواهد کرد. بوکانان و تالوک اثبات می‌کنند اگر بتوان پایه نمایندگی را تا حد زیادی در نظام دومجلسی متفاوت کرد، نهاد قانون‌گذاری دومجلسی وسیله‌ای مؤثر برای کاهش قابل ملاحظه هزینه‌های انتظاری تصمیم‌گیری جمعی خواهد بود (همان).

۲-۴-۷. کمیسیون اقتصادی سایه

در حال حاضر، نمایندگان مجلس در قالب کمیسیون‌هایی به شکل تخصصی به تدوین و بررسی طرح‌ها و لوایح قانونی می‌پردازند. تصمیم‌های این کمیسیون‌ها برای تصویب نهایی در صحن علنی مجلس مطرح می‌شود. یکی از مشکلات وضعیت فعلی این است که اعضای هر کمیسیون الزاماً از تخصص کافی در آن حوزه تخصصی برخوردار نیستند. به واسطه کمبود برخی تخصص‌ها، نمایندگان ممکن است مجبور به عضویت در کمیسیونی شوند که سنخیت چندانی با آن ندارند. این مشکل از آن جهت بروز می‌کند که در نظام کنونی انتخابات کشور، انتخاب نمایندگان بر اساس نیاز کمیسیون‌های تخصصی صورت نمی‌گیرد.

برای حل این مشکل می‌توان ذیل هریک از کمیسیون‌های تخصصی موجود، کمیسیون تخصصی پشتیبانی متشکل از خبره‌ترین متخصصان آن حوزه تشکیل داد. اعضای این کمیسیون پیش از بررسی طرح‌ها و لوایح در کمیسیون تخصصی کنونی، به بررسی آن پرداخته و دیدگاه‌های تخصصی خود را ارائه می‌دهد. برای

نمونه، زیربخش کمیسیون اقتصادی مجلس، کمیسیونی از اقتصاددانان برجسته کشور به‌عنوان بازوی کارشناسی کمیسیون اصلی مجلس تشکیل می‌شود. اعضای این کمیسیون پشتیبان را می‌توان با رأی مستقیم خود اقتصاددانان انتخاب کرد. اگر کمیسیون‌های تخصصی پشتیبان دارای حق رأی باشند، این امر می‌تواند موجب تقویت دایره اثرگذاری آنها شود. حتی اگر این کمیسیون تخصصی به‌عنوان بازوی مشورتی کمیسیون اصلی در نظر گرفته شود، چنین اقدامی می‌تواند به بهبود تصمیم‌های نمایندگان کمک کند.

این کمیسیون‌ها که از آن می‌توان با عنوان کمیسیون‌های اقتصادی سایه یاد کرد، در سایر کشورها نیز سابقه دارد. کمیسیون اقتصادی سایه معمولاً توسط گروهی از اقتصاددانان مستقل تشکیل می‌شود که وظیفه آنها ارائه تحلیل‌های مستقل از سیاست‌های اقتصادی دولت است. کمیسیون اقتصادی سایه ایران نیز می‌تواند با تشکیل تیمی از اقتصاددانان مستقل و صاحب‌نظر، به ارائه تحلیل‌های دقیق و بی‌طرف از سیاست‌های اقتصادی دولت بپردازد. این تحلیل‌ها می‌تواند شامل تجزیه و تحلیل اثرات اقتصادی سیاست‌های دولت، بررسی نقاط قوت و ضعف سیاست‌های دولت و ارائه پیشنهادها جایگزین برای سیاست‌های دولت باشد. این کمیسیون می‌تواند به روش‌های مختلفی با دولت همکاری کند. این کمیسیون می‌تواند گزارش‌های خود را به‌صورت عمومی منتشر کند تا مردم و رسانه‌ها بتوانند از آنها مطلع شوند. علاوه بر این، کمیسیون اقتصادی سایه می‌تواند با مقامات دولتی دیدار و گفتگو کند و نظر خود را به آنها ارائه دهد. در ساختار کنونی مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس، کارشناسان مدعو دستگاه‌های مختلف و کارشناسان مدعو نمایندگان به‌عنوان بازوی مشورتی نمایندگان در کمیسیون‌ها عمل می‌کنند. فقدان سازوکار مؤثر در این باره و عدم ثبات در بدنه کارشناسان باعث می‌شود که چنین نظام مشورتی چندان کارآمد نباشد. تشکیل کارگروه‌های تخصصی پشتیبان می‌توان به شکلی سازمان‌یافته به نمایندگان کمیسیون‌ها کمک کند که پیش از بحث در مورد طرح‌ها و لوایح، از نظر تخصصی بالاترین خبرگان مطرح در آن موضوع بهره‌مند شوند. به نظر

می‌رسد که مرکز پژوهش‌های مجلس بتواند به‌عنوان بازوی تحقیقاتی و اجرایی کمیسیون‌های تخصصی پشتیبان عمل کند.

برای تقویت بعد نظارتی نظام قانون‌گذاری، باید بتوان نوعی سازگاری بین ابعاد نظارتی و اجرایی مجلس در تعامل با قوه مجریه و قضائیه ایجاد کرد. ایجاد وحدت رویه در زمینه مقابله با مفاسد و جرائم اقتصادی بین سه قوه ضرورتی اساسی برای کل نظام حکمرانی بخش عمومی است. در این زمینه باید نوعی همگرایی بین نهادهای نظارتی همچون دیوان محاسبات (وابسته به قوه مقننه)، سازمان بازرسی کل کشور (وابسته به قوه قضائیه) و سازمان حسابرسی (وابسته به وزارت امور اقتصاد و دارایی) ایجاد کرد.

۳-۴-۷. تقویت احزاب

یکی دیگر از راهبردهای کاستن از مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور تقویت احزاب است. قاعدتاً احزاب چون حیات سیاسی بلندمدت‌تری نسبت به افراد دارند، منافع ملی را مقدم بر منافع منطقه‌ای دانسته و نگاه بلندمدت‌تری نسبت به مسائل دارند. احزاب قوی، برای بررسی مسائل به‌صورت تخصصی کارگروه‌های کارشناسی در اختیار دارند، پس هزینه کارشناسی تصمیمات در احزاب به‌مراتب کمتر از افراد است.

یکی از راهکارهای مطرح‌شده برای تقویت احزاب تجمیع حوزه‌های انتخابیه و رفتن به سمت انتخابات استانی و تناسبی شدن آرا است. این رویکرد علی‌رغم برخی مزیت‌ها می‌تواند مشکلات دیگری همچون کاهش حضور مردم در انتخابات، ظهور مشکلات اقتصاد سیاسی در عرصه استانی و تضعیف عدالت انتخاباتی بینجامد.

هم‌اکنون سازوکارهای انتخاباتی در کشور اجازه بروز و ظهور و تقویت احزاب را نمی‌دهد و افراد مستقل به‌مراتب در این فرایند تحرک و مزیت بیشتری دارند؛ بنابراین بدون تغییر در قوانین انتخاباتی کشور نمی‌توان امیدی به شکل‌گیری احزاب قوی و مردمی داشت.

۴-۴-۷. شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور

شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور شورایی مشورتی است که می‌تواند کارشناسی لازم برای تصمیم‌های اقتصاد را انجام دهد. اعضای این شورا می‌توانند به‌صورت انتخابی یا انتصابی تعیین شوند. می‌توان ترکیبی از اعضای انتخابی و انتصابی را در شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور داشت. مشابه این شورا را می‌توان برای وزرای اقتصادی دولت مشتمل بر وزرای امور اقتصادی و دارایی، نفت، جهاد کشاورزی، صنعت و معدن، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و برای رؤسای بانک مرکزی و سازمان برنامه‌بودجه در نظر گرفت.

برای ایجاد شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور می‌توان از تجربه سایر کشورها استفاده کرد. برای نمونه، در ایالات متحده آمریکا شورای مشاوران اقتصادی ریاست‌جمهوری متشکل از اقتصاددانان برجسته با تخصص‌های مختلف است. این شورا به‌طور معمول بین پنج تا ده عضو دارد که توسط رئیس‌جمهور انتخاب و برای تأیید به مجلس سنا معرفی می‌شود. اعضای شورا برای یک دوره چهارساله منصوب می‌شوند. آنها می‌توانند برای یک دوره دیگر منصوب شوند. وظیفه اعضای این شورا ارائه مشاوره به رئیس‌جمهور در مورد مسائل اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی است.

۵-۴-۷. تشکیل شوراهای تثبیت اقتصادی

یکی از مسائل مهم در سیاست‌گذاری اقتصادی ایجاد ثبات و پایداری در نظام تصمیم‌گیری و انتخاب بر اساس مصالح عمومی است. الگوی سیاست‌گذاری اقتصادی باید بدین‌گونه باشد که با تغییرات سیاسی، تصمیم‌ها دستخوش تحولات پی‌درپی نشود و سیاست‌های بلندمدت صحیح توسط تمامی حکمرانان دنبال شود.

برای دستیابی به این هدف باید نهادهایی را در نظام سیاست‌گذاری اقتصادی ایجاد یا تقویت کرد که مسئولیت سیاست‌گذاری کلان و بلندمدت بخش عمومی را بر عهده داشته باشند؛ نهادهایی که اختیارات کافی برای اجرای دائمی این سیاست‌ها و نظارت بر اجرای آنها را داشته باشد. در این راستا می‌توان اقدام

به ایجاد شورای عالی سیاست‌گذاری به‌عنوان بازوی فکری و اجرایی ولی فقیه کرد. این شورا مکلف است که تنظیم‌گر دائمی فعالیت‌های قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه در زمینه سیاست‌های اقتصادی باشد. این شورا می‌تواند حتی نسبت به نهادهایی همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعیین روابط آن با مجلس و شورای نگهبان نیز کارکردی تثبیتی داشته باشد.

هم‌اکنون شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای هماهنگی بین تصمیم‌های سه قوه ایجاد شده است؛ ولی این شورا نتوانسته کارکردی تثبیتی داشته باشد. این شورا دارای بدنه تحقیقی و علمی نیست که بتواند تصمیم‌سازی باثبات و بلندمدت انجام دهد و گاهی تصمیم‌های آن موقعیتی و بر اساس مصلحت‌سنجی‌های زودگذر و غیرکارشناسی است. برای ترمیم این شورا می‌توان نماینده‌ای از ولی فقیه و نمایندگان از سوی مجمع تشخیص و شورای نگهبان را بدان افزود. ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی نیز با مشکل مشابهی روبرو است. یکی دیگر از مشکلات در نظام حکمرانی قوه مجریه ناهماهنگی بین وزارت‌خانه‌ها به‌خصوص وزارت‌خانه‌های همسو است. برای نمونه، ناهماهنگی بین وزارت‌خانه‌های اقتصاد، جهاد کشاورزی و صمت (صنعت، معدن و تجارت) در سال‌های اخیر باعث شده است که نوعی ناهماهنگی در عرضه نهاده‌های دامی شکل بگیرد و همین امر موجب کمبود عرضه برخی محصولات پروتئینی و نوسان قیمتی شدید آنها شود. کاستن از این مشکل از طرفی مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای تقویت تعامل میان وزارت‌خانه‌های همسو به‌خصوص وزارت‌خانه‌های اقتصادی و از سوی دیگر نیازمند ایجاد ارتباط بین نهادهای پژوهشی این نهادها است. هم‌اکنون ارتباط وثیقی بین نهادهای پژوهشی وزارت‌خانه‌های اقتصادی وجود ندارد.

۶-۴-۷. افزایش اقتدار سیاست‌گذار ارزی و پولی

تقویت اقتدار سیاست‌گذار اقتصادی و حمایت از آن در برابر مداخلات رانت‌جویانه گامی اساسی برای بهبود سیاست‌های اقتصادی است. ساختار باید به‌گونه‌ای اصلاح شود که سیاست‌گذار بدون ترس و واهمه از گروه‌های

ذی‌نفع بتواند سیاست‌های صحیح را اعمال کند. در راستای تقویت اقتدار در سیاست‌گذاری پولی ایده‌هایی همچون استقلال بانک مرکزی مطرح شده است. ادعا می‌شود که با تقویت استقلال بانک مرکزی، دولت‌ها نمی‌توانند ابزارهای سیاست پولی را برای انتخاب مجدد خود به خدمت بگیرند. هرچند ایده استقلال بانک مرکزی می‌تواند به این هدف کمک کند. باید به این نکته توجه داشت که چنین استقلالی در خدمت منافع عمومی قرار گیرد. استقلال بانک مرکزی از دولت به شرطی می‌تواند موجب بهبود انتخاب‌های عمومی شود که بانک مرکزی از استقلال کافی نسبت به بانک‌ها و قدرت‌های اقتصادی نیز برخوردار باشد. اگر بانک مرکزی از دولت مستقل شود، ولی تحت تسلط بانک‌ها به خصوص بانک‌های خصوصی قرار گیرد، چنین استقلالی باعث انتخاب‌های عمومی خوب نمی‌شود. گذشته از آنکه حذف دولت از فضای سیاست‌گذاری پولی باعث بروز مشکلاتی خواهد شد.

۷-۴-۷. ایجاد نظام تربیت و تهذیب حکمرانی اسلامی

تغییر در سازمان‌ها و قوانین می‌تواند زمینه انحراف در سیاست‌های اقتصادی را کاهش دهد؛ ولی سیاست‌گذاران اقتصادی نیازمند آموزش، تربیت و تهذیب اخلاقی نیز هستند. بر اساس آموزه‌های قرآنی حکمرانان همواره نیازمند تذکر و تهذیب اخلاقی هستند. تغییر ساختارهای سخت‌سازمانی و قانونی نمی‌تواند مانع از عدم عقلانیت بشر شود تا زمانی که اخلاق و معنویت ترویج نشود. برای کاستن از مشکلات شناختی، انگیزشی و مهارتی سیاست‌گذاران اقتصادی، اجرای دوره‌های آموزشی و مهارتی و همچنین دوره‌های اخلاق حرفه‌ای سیاست‌گذاری اقتصادی ضروری است.

نتیجه‌گیری

ساختار سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، با آسیب‌هایی همچون اتخاذ رویکرد غیربومی، وجود تعارض منافع، ناهماهنگی در تصمیم‌گیری، عدم ثبات، فقدان شفافیت و وقفه‌های زمانی روبرو است. نمونه‌هایی از این مشکل را می‌توان در درصد تحقق کم برنامه‌های توسعه، بودجه‌ریزی نامتوازن و ناکارآمد،

توزیع طرح‌های عمرانی بدون توجه به اقتضائات آمایش سرزمین، ناسازگاری سیاست‌های مالی و پولی و تغییرات غیرمترقبه در برخی سیاست‌های اقتصادی همچون سیاست‌های ساخت مسکن اشاره کرد؛ مشکلی که گاهی از آن با عنوان مشکل انتخاب عمومی یاد می‌شود و در چارچوب نظریه‌های اقتصاد سیاسی با فرض رفتار عقلایی مردم و سیاست‌مداران تبیین می‌شود؛ رفتاری که گاهی درگیر منافع شخصی، قومی، منطقه‌ای و حزبی می‌شود و باعث عدول از منافع ملی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌شود.

برای تبیین مشکلات سیاست‌گذاری اقتصادی در رویکرد اقتصاد اسلامی هم باید به مشکلات موجود در فضای حکمرانی کشورهای اسلامی توجه کرد و هم به ظرفیت‌های حکمرانی ولایی در اندیشه اسلامی توجه داشت. کشورهای اسلامی با اقتباس الگوی حکمرانی دموکراتیک عملاً از همان مشکلات انتخاب عمومی رایج رنج می‌برند؛ مشکلی که می‌تواند با حرکت به سمت حکمرانی ولایی برطرف شود. بر اساس این نظریه، ناکارآمدی سیاست‌گذاری اقتصادی ریشه در مشکلات هنجاری، قانونی، سازمانی و رویه‌ای و رفتاری دارد. در رویکرد اسلامی، محورهای همچون تهذیب سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی در کنار نظارت مردمی بر تصمیم‌گیرندگان ابعادی از مشکلات ساختاری و نهادی در فضای سیاست‌گذاری اقتصادی را برجسته می‌کند؛ ابعادی که می‌تواند ضمن تقویت فهم ما از علل مشکلات در سیاست‌گذاری اقتصادی، به ارائه الگوی حکمرانی سیاست‌گذاری اقتصادی اسلامی کمک کند.

الگوی سیاست‌گذاری اقتصادی مطلوب از منظر اقتصاد اسلامی مبتنی بر الگوی حکمرانی ولایی است؛ الگویی که مبتنی بر اصولی همچون ولایت صالحان، تخصص‌گرایی، کارایی و مسئولیت‌پذیری است. ایجاد چنین الگویی نیازمند تحولات ساختاری شامل تغییر هنجارها، قوانین، سازمان‌ها و رویه‌های نادرست حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی است. نقشه راه ایجاد این تحول ساختاری به ترتیب بهبود نظام تولید گزارش سیاستی اقتصادی، تقویت شفافیت اقتصادی، شاخص‌بندی نتایج و اقدامات سیاستی اقتصادی، بازطراحی نظام

سیاست‌گذاری اقتصادی و ایجاد نظام تربیت و تهذیب حکمرانی اسلامی است. بازطراحی نظام سیاست‌گذاری اقتصادی با انجام اقداماتی همچون تشکیل مجلس تخصصی نخبگانی، تشکیل کمیسیون‌های تخصصی پشتیبان، تقویت احزاب، ایجاد شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور، تشکیل شوراهای تثبیت اقتصادی، و افزایش اقتدار سیاست‌گذار اقتصادی قابل‌دستیابی است. اصلاح‌هنگارهای حاکم بر سیاست‌گذاری اقتصادی و رفتارهای ناشی از آن نیز از طرفی نیازمند بازنگری قوانین و از طرف دیگر مستلزم تعلیم و تربیت حکمرانی اقتصادی مطلوب است.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. استیگلیتز، جوزف، (۱۳۸۲)، بحران آسیای شرقی: چگونه سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول جهان را به آستانه سقوط عمومی کشاند، چاپ‌شده درج. استیگلیتز، جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه گلریز، تهران: نی.
۴. استیگلیتز، جوزف، (۱۳۸۲)، جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه گلریز، تهران: نی.
۵. اسنودان، بری‌ان و هوارد، (۱۳۹۲)، اقتصاد کلان جدید؛ منشأ، سیر تحول و وضعیت فعلی، ترجمه خلیلی عراقی و سوری، تهران: سمت.
۶. حمیری قمی، (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه السلام) لإحياء التراث.
۷. باهنر، محمدرضا، (۱۳۹۶)، گفتگوی مشروح نماینده با باهنر، ماهنامه نماینده.
۸. بوکانان، جیمز، (۱۳۸۶)، «قانون اساسی سیاست اقتصادی»، ترجمه خیرخواهان، اقتصاد سیاسی (۵ و ۶)، ۷-۲۰.
۹. بوکانان، جیمز. و تالوک، (۱۳۹۴)، محاسبه رضایت: مبانی منطقی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی، ترجمه آزاد، تهران: نی.
۱۰. پژویان، جمشید، (۱۳۸۵)، «به‌مثابه یک ضرورت برای توسعه اقتصادی: به سوی ساختار سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری اقتصادی»، راهبرد یاس (۱۰۶)، ۱۳۹-۱۴۸.
۱۱. تستری، سهل بن عبدالله، (۱۴۲۳ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۱۳. توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۶)، خاکریز اقتصادی خوانشی بر اقتصاد مقاومتی، تهران: کانون اندیشه جوان.

۱۴. توکلی، محمدجواد، (۱۴۰۰)، «چشم‌اندزهای نظریه عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی»، مطالعات اقتصاد اسلامی (۲۶)، ۱۸۱-۲۱۰.
۱۵. توکلی، محمدجواد، (۱۴۰۰)، «ساختار حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی (۲۲)، ۴۱-۶۸.
۱۶. جعفر بن محمد علیه السلام، (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، ولایت فقیه: ولایت فقاہت و عدالت، قم: اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: اسراء.
۱۹. حسن‌زاده آملی، حسن، (۱۳۷۱)، ولایت تکوینی، قم: قیام.
۲۰. خضری، محمد، (۱۳۸۵)، «دولت و سرمایه اجتماعی»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، س ۹، ش ۱، مطالعات راهبردی (۳۱)، ۳۱-۵۲.
۲۱. خضری، محمد، (۱۳۸۷)، «اقتصاد سیاسی رانت‌جویی در بودجه‌ریزی دولتی ایران»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی (۴)، ۳۹-۷۲.
۲۲. درازن، آلن، (۱۳۹۰)، اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان، ترجمه خیرخواهان، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۳. دین‌پرست، فائز، (۱۳۹۵)، پارلمان و توسعه اقتصاد ملی در ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۴. سبحانی، جعفر، (۱۴۰۷ق)، مفاهیم القرآن، قم: مؤسسه سید الشهدا العلمیه.
۲۵. سعیدی، علی، (۱۴۰۰)، «صورت‌بندی نظام تصمیم‌گیری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و آسیب‌شناسی آن مبتنی بر اندیشه شهید صدر»، معرفت اقتصاد اسلامی (۲۵)، ۲۱۷-۲۳۹.
۲۶. صدر، سید محمدباقر، (۱۳۸۲)، الاسلام یقود الحیاة، تهران: دارالصدر.
۲۷. صدر، سید محمدباقر، (۱۳۹۹)، خلافة الانسان و شهادة الانبیاء، تهران: جهاد البناء.
۲۸. صدر، سید محمدباقر، (۱۴۰۰ق)، اقتصادنا، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۲۹. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: نشر جامعه مدرسین.

۳۰. عرب یار محمدی، جواد و اسماعیلی خوشمردان، علی، (۱۳۹۹)، شاخص‌های حکمرانی خوب و ارزیابی وضعیت ایران، پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی.

۳۱. قربانی، علی، (۱۳۹۶)، مصاحبه با علی قربانی عضو کمیسیون برنامه‌بودجه، ایرنا، بازیابی از:

<http://www.irna.ir/fa/News/82743028>

۳۲. کلاین، نائومی، (۱۳۸۹)، دکترین شوک ظهور سرمایه‌داری فاجعه، ترجمه شهابی و نبوی، تهران: آمه.

۳۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، (بی‌تا)، آموزش عقاید، تهران: نشر بین‌الملل.

۳۵. نمازی، حسین، (۱۳۹۵)، تحلیلی از شرایط اقتصادی کشور و راهکارهای پیشنهادی، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران. بازیابی از:

<http://www.ias.ac.ir/index.php/2015-09-21-08-02-04/1776-prof-namazi-article-99>

۳۶. نورث، داگلاس سی، (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه معینی، تهران: سازمان برنامه‌بودجه.

۳۷. نورث، داگلاس سی، (۱۳۹۲)، درک فرایند تحول اقتصادی، م. متوسلی، نهادها و توسعه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

۳۸. ولایت تکوینی، (۲۰۲۱، ۱۶۱)، بازیابی از ویکی شیعه:

<https://b2n.ir/644650>

ب) منابع انگلیسی

39. Akerlof, G. (1970). *The market for lemons: Quality uncertainty and the market mechanism*. Quarterly Journal of Economics, 488-500.

40. Alesina, A. (1987). *Macroeconomics and politics*. New York: Cam-

bridge University Press.

41. Chapra, M. (2006). *Ibn Khaldun's Theory of Development: Does it Help Explain the Low Performance of the Present-Day Muslim World*.

42. Downs, A. (1956). *An Economic Theory of Democracy*. New York: Harper & Row.

43. Elster, J. (1983). *Explaining Technical Change*. Cambridge: Cambridge University Press.

44. Elster, J. (1998). *Ulysses and the Sirens: Studies In Rationality And Irrationality*. Cambridge University Press.

45. Frey, B., & Schneider, F. (1978). *A politico-economic model of the demand for public goods*. Journal of Public Economics, 9(3), 175-187.

46. Gwartney, J., & Stroup, P. (1987). *Economics, Private and Puublic Choice*. USA, HBJ.

47. Hibbs, D. (1977). *Political instability and economic growth: A comparative analysis*. World Politics, 29(4), 718-737.

48. Hibbs, D. (1987). *The political economy of industrialized democracies*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

49. Kalt, j., & Zupan, M. (1984). *Capture and ideology in the economic theory of politics*. 74: 79-300. American economics review, 74(3), 279-300.

50. Milner, C. (1996). *Interest Groups and Policy Formulation*. reenaway et al.

51. Nordhaus, W. (1992). *The political business cycle*. The Journal of Political Economy, 100(1), 169-190.

52. Nordhaus, W. (2001). (2001). *The economics of public policy*. New York: W.W. Norton & Company.

53. Rogoff, K., & Sibert, A. (1992). *Political budget cycles*. (1992). *Review of Economic Studies*, 59(3), 573-589.
54. Rogoff, K., & Sibert, A. (1990). *Elections and macroeconomic policy in open economies*. *Journal of Political Economy*, 98(4), 836-859.
55. Rogoff, K., & Sibert, A. (1994). *The role of institutions in the political economy of budget deficits and debt*. *American Economic Review*, 84(2), 289-300.
56. Williamson, o. (2000). *The New Institutional Economic: Taking Stock, Looking Ahead*. *Journal of Economic Literature*, XXXVIII, 595-613.

References

The Holy Qur'an

Nahj al-Balāgha

1. "Wilāyat Takwīnī (Ontological Guardianship)." (2021, January 16). Retrieved from WikiShia: <https://b2n.ir/644650>. (In Persian)
2. Akerlof, G. (1970). The Market for Lemons: Quality Uncertainty and the Market Mechanism. *Quarterly Journal of Economics*, 488–500.
3. Alesina, A. (1987). *Macroeconomics and Politics*. New York: Cambridge University Press.
4. al-Ḥimyari al-Qummi. (1413 AH). *Qurb al-Isnād*, Qom: Al al-Bayt (A) Institute for the Revival of Heritage. (In Arabic)
5. al-Majlisi, Muhammad Baqir. (1403 AH). *Biḥār al-Anwār*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
6. al-Sadr, Sayyid Muhammad Baqir. (1400 AH). *Iqtisādu-nā (Our Economics)*, Beirut: Dār al-Ta'āruf lil-Maṭbū'āt. (In Arabic)
7. al-Sadr, Sayyid Muhammad Baqir. (2003). *Islam Leads Life (al-Islām*

- Yaqūd al-Ḥayāh), Tehran: Dār al-Ṣadr. (In Arabic)
8. al-Sadr, Sayyid Muhammad Baqir. (2020). The Vicegerency of Man and the Testimony of Prophets (Khilāfat al-Insān wa Shahādat al-Anbiyā'), Tehran: Jihād-e Sāzandegī. (In Arabic)
9. al-Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muhammad Husayn. (1417 AH). al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān, Qom: Jāme'at al-Mudarrisīn Press. (In Arabic)
10. al-Tamīmī al-Āmidī, 'Abd al-Wāḥid ibn Muḥammad. (1987). Ghurar al-Ḥikam wa Durar al-Kalim, Qom: Markaz al-Nashr, Islamic Propagation Office. (In Arabic)
11. al-Tustarī, Sahl ibn 'Abd Allāh. (1423 AH). Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
12. Arab Yarmohammadi, Javad & Esmacili Khoshmardan, Ali. (2020). Indicators of Good Governance and Evaluation of Iran's Status, Tehran: Economic Research Institute, Ministry of Economic Affairs and Finance. (In Persian)
13. Bahonar, Mohammad-Reza. (2017). "In-depth Interview with Bahonar," Namayandeh Monthly Journal. (In Persian)
14. Buchanan, James & Tullock. (2015). The Calculus of Consent: Logical Foundations of Constitutional Democracy, trans. Azad, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
15. Buchanan, James. (2007). "The Constitutional Economics of Political Policy," trans. Kheirkhahān, Political Economy (5–6), pp. 7–20. (In Persian)
16. Chapra, M. (2006). Ibn Khaldun's Theory of Development: Does It Help Explain the Low Performance of the Present-Day Muslim World?
17. Dinparast, Faez. (2016). Parliament and National Economic Development in Iran, Tehran: Imam Sadiq (A) University. (In Persian)
18. Downs, A. (1956). An Economic Theory of Democracy. New York: Harp-

er & Row.

19. Drazen, Allan. (2011). Political Economy in Macroeconomics, trans. Kheirkhahān, Tehran: Institute for Advanced Management and Planning Research. (In Persian)

20. Elster, J. (1983). Explaining Technical Change. Cambridge: Cambridge University Press.

21. Elster, J. (1998). Ulysses and the Sirens: Studies in Rationality and Irrationality. Cambridge University Press.

22. Frey, B., & Schneider, F. (1978). A Politico-Economic Model of the Demand for Public Goods. Journal of Public Economics, 9(3), 175–187.

23. Ghorbani, Ali. (2017). “Interview with Ali Ghorbani, Member of the Budget and Planning Committee,” IRNA, retrieved from <http://www.irna.ir/fa/News/82743028>. (In Persian)

24. Gwartney, J., & Stroup, P. (1987). Economics: Private and Public Choice. USA: HBJ.

25. Hassanzadeh Amoli, Hassan. (1992). Ontological Guardianship (Wilāyat Takwīnī), Qom: Qiyām Publications. (In Persian)

26. Hibbs, D. (1977). Political Instability and Economic Growth: A Comparative Analysis. World Politics, 29(4), 718–737.

27. Hibbs, D. (1987). The Political Economy of Industrialized Democracies. Cambridge, MA: Harvard University Press.

28. Ja‘far ibn Muḥammad (A). (1400 AH). Miṣbāḥ al-Sharī‘a wa Miftāḥ al-Ḥaqīqa, Beirut: al-Mu‘assasa al-A‘lamiyyah lil-Maṭbū‘āt. (In Arabic)

29. Javadi Amoli, Abdullah. (2000). Wilāyat al-Faqīh: The Guardianship of Jurisprudence and Justice, Qom: Esra. (In Persian)

30. Javadi Amoli, Abdullah. (2004). Tawḥīd in the Qur’an, Qom: Esra. (In

Persian)

31. Kalt, J., & Zupan, M. (1984). "Capture and Ideology in the Economic Theory of Politics." *American Economic Review*, 74(3), 279–300.

32. Khezri, Mohammad. (2006). "The State and Social Capital," *Strategic Studies Quarterly*, 9(1), pp. 31–52. (In Persian)

33. Khezri, Mohammad. (2008). "The Political Economy of Rent-Seeking in Iran's Public Budgeting," *Political Science Research Journal* (4), pp. 39–72. (In Persian)

34. Klein, Naomi. (2010). *The Shock Doctrine: The Rise of Disaster Capitalism*, trans. Shahabi & Nabavi, Tehran: Ameh Publishing. (In Persian)

35. Milner, C. (1996). *Interest Groups and Policy Formulation*. In Greenaway et al.

36. Mişbāḥ Yazdi, Muhammad-Taqi. (n.d.). *Instruction in Beliefs (Ta'lim al-'Aqā'id)*, Tehran: Nashr-e Bayn al-Melal. (In Persian)

37. Namazi, Hossein. (2016). *An Analysis of Iran's Economic Conditions and Proposed Strategies*, Academy of Sciences of the Islamic Republic of Iran. Retrieved from <http://www.ias.ac.ir/index.php/2015-09-21-08-02-04/1776-prof-namazi-article-99>. (In Persian)

38. Nordhaus, W. (1992). *The Political Business Cycle*. *Journal of Political Economy*, 100(1), 169–190.

39. Nordhaus, W. (2001). *The Economics of Public Policy*. New York: W.W. Norton & Company.

40. North, Douglas C. (1998). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, trans. Moeini, Tehran: Plan and Budget Organization. (In Persian)

41. North, Douglas C. (2013). *Understanding the Process of Economic*

Change, in M. Motevasseli (ed.), *Institutions and Development*, Tehran: Imam Sadiq (A) University. (In Persian)

42. Pazhouyan, Jamshid. (2006). "A Necessity for Economic Development: Toward a Structure of Economic Policymaking and Policy Design," *Rahbord-e Yās* (106), pp. 139–148. (In Persian)

43. Rogoff, K., & Sibert, A. (1990). Elections and Macroeconomic Policy in Open Economies. *Journal of Political Economy*, 98(4), 836–859.

44. Rogoff, K., & Sibert, A. (1992). Political Budget Cycles. *Review of Economic Studies*, 59(3), 573–589.

45. Rogoff, K., & Sibert, A. (1994). The Role of Institutions in the Political Economy of Budget Deficits and Debt. *American Economic Review*, 84(2), 289–300.

46. Saeedi, Ali. (2021). "The Structuring and Pathology of the Economic Decision-Making System of the Islamic Republic of Iran Based on the Thought of Martyr Sadr," *Ma'rifat-e Eqtesād-e Islāmī* (25), pp. 217–239. (In Persian)

47. Snowden, Brian & Howard, Howard. (2013). *New Macroeconomics: Origins, Evolution, and Current Status*, trans. Khalili Iraqi & Souri, Tehran: SAMT. (In Persian)

48. Stiglitz, Joseph. (2003). *Globalization and Its Discontents*, trans. Golriz, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)

49. Stiglitz, Joseph. (2003). The East Asian Crisis: How IMF Policies Brought the World to the Brink of Global Collapse. In J. Stiglitz, *Globalization and Its Discontents*, trans. Golriz, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)

50. Subhānī, Ja'far. (1407 AH). *Mafāhīm al-Qur'ān*, Qom: Sayyid al-Shuhadā' Institute. (In Arabic)

51. Tavakoli, Mohammad-Javad. (2017). *Economic Frontline: A Reading of*

- the Resistance Economy, Tehran: Kanoon-e Andisheh-ye Javan. (In Persian)
52. Tavakoli, Mohammad-Javad. (2021). "The Structure of Public Sector Governance in Islamic Political Economy," *Fundamental Studies in the Humanities* (22), pp. 41–68. (In Persian)
53. Tavakoli, Mohammad-Javad. (2021). "Theoretical Perspectives on Bounded Rationality in Islamic Economics," *Islamic Economics Studies* (26), pp. 181–210. (In Persian)
54. Williamson, O. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38, 595–613.